

تحلیل ضربآهنگ کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی و خوانش فضای عمومی شهری «مدل زمینه‌ای در پل خواجهی اصفهان»*

مژده جمشیدی^{**}، میترا حبیبی^۲

^۱ پژوهشگر دوره دکتری تخصصی شهرسازی، پردیس بین‌المللی فارابی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه طراحی شهری، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۲۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۳/۲۴)

چکیده

پژوهش با هدف ژرف‌کاوی و تبیین پیچیدگی‌های فضای عمومی شهری چندلایه؛ که متأثر از شکل‌بندی‌های اجتماعی جامعه و نقطه آغازین معرفت‌شناسی فضا در همبستگی با واقعیت اجتماعی می‌باشد، انجام پذیرفته است. پارادایم تحقیق، انتقادی و در چارچوب نظریه‌ی تولید اجتماعی لوفور، زندگی روزمره را از طریق تحلیل ضربآهنگ و در پیوند زمان-مکان واکاوی می‌کند. سوالات تحقیق در راستای شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ضربآهنگ رخداد کنش‌ها و نیز تدوین مدلی زمینه‌ای با هدف خوانش فضای پل خواجه می‌باشد. نوآوری پژوهش، توصیف و تبیین بخش پنهان فضای عمومی شهری انتخابی با استفاده از تحلیل ضربآهنگ رخداد کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی جامعه است. با بهره‌گیری از تئوری زمینه‌ای، تحلیل سیستماتیک اطلاعات ناشی از برداشت میدانی (مصاحبه‌های عمیق و مشاهدات وجه عینی رخداد کنش‌ها صورت گرفته است. نتایج در یک مدل نظری-زمینه‌ای در ۱۲ مقوله اصلی ارتباط کنش‌ها با شرایط زمینه‌ای، علل بروز، عوامل مداخله‌گر و پیامدها را نشان می‌دهد: زمینه‌ها (نظم ایدئولوژی-حکومتی، طبیعی و محیطی)؛ علل (نظم هنجارین و مدیریت پایشی)؛ عوامل مداخله‌گر (تعاملات برنامه‌ریزی شده، تبادلات فرهنگی و همپیوندی مقوله‌ها)؛ و پیامدها (پیش‌بینی-بودن فضا، آگاهی‌بخشی از مطالبات، کاهش مشروعیت گفتمان رسمی و تصاحب فضا) می‌باشد. رخداد کنش‌ها، گزینش زمانی و مکانی داشته و با عضویت در گروه‌های اجتماعی همراه و هدف آن‌ها تثبیت فضایی، کسب خودمختاری و مشروعیت در فضا و دارای الگوهای قانون‌ستیزی-هنجارستیزی، تصاحب فضا، روان‌بالایی و مطالبات می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

زندگی روزمره، کنش مغایر با گفتمان رسمی، تئوری زمینه‌ای سیستماتیک، ضربآهنگ، پل خواجه.

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده‌ی اول، با عنوان «واکاوی فضای عمومی شهری از منظر خوانش ضربآهنگ کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی (موردپژوهی پل خواجهی اصفهان)» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده‌ی دوم در پردیس بین‌المللی فارابی دانشگاه هنر تهران ارائه شده است.
^{**}نویسنده‌ی مسئول: تلفن: ۰۹۱۳۲۲۶۳۹۱۴، نمابر: ۰۳۱-۳۶۴۱۲۳۱۰، Email: mojdeh.jamshidi84@gmail.com

مقدمه

شهر و فضاهای آن می‌توان به آرای لوفور (۱۹۹۱) استناد نمود. وی در بیان این پیچیدگی نور سفید را مثال می‌زند: که در ظاهر اگرچه نور سفید یک رنگ است ولی می‌تواند به طیفی از رنگ‌ها تجزیه شود، فضا نیز وقتی در معرض تحلیل قرار می‌گیرد، علی‌رغم همگنی و انسجام سطحی، تجزیه شده و عوامل و تناقض‌هایش عیان می‌گردد. این امر لزومی بر تغییر نگرش به فضا را با تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی فضا در پی داشته است. یکی از ویژگی‌های زندگی و فضای جدید، چالش تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در بستر فضا می‌باشد. لذا دیگر فضای عمومی، فضای نمایش توافقات زندگی جمعی تلقی نمی‌شود، بلکه نمایش چگونگی کنش میان این دو به تأثیر از زمینه، علل و شرایط برخاسته از بستر و خاستگاه فضایی می‌باشد. از این رو هر فضای عمومی دارای مدل خاصی از روابط میان مؤلفه‌های سازنده، علل و شرایط و پیامدهای متفاوتی است که از ویژگی‌های زمینه‌ای ناشی می‌شود. این امر ضرورت تغییر نگرش در عرصه برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهری در تمام مراحل؛ از خوانش تا تحلیل و تفسیر تا پیشنهاد راهکار را با تأکید بر مؤلفه‌های «زندگی روزمره» برای شناخت لایه‌های عمیق آن به‌ویژه پیوند مکان و زمان (ضرب‌آهنگ) ایجاد می‌کند؛ تا با خوانش هم‌زمان این عوامل، روابط، علل و شرایط در یک مدل مشخص و پیوند زمان و مکان، عملکردهای مناسب‌تری برای مدیران شهری برای تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهری فراهم آید. براین اساس هدف از پژوهش حاضر واکاوی لایه‌های نیمه پنهان و پنهان زندگی روزمره، جهت خوانش پیچیدگی‌های فضای عمومی شهری از طریق تحلیل ضرب‌آهنگ رخداد کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی و هم‌زمان دستیابی به مدلی زمینه‌ای برای خوانش فضای عمومی می‌باشد، که با استفاده از روش «تئوری زمینه‌ای» و تحلیل بروز عینی این کنش‌ها از منظر مؤلفه‌های زمانی-مکانی-عاملی در قالب الگوهای رفتاری تحقق می‌یابد. سئوالات پژوهش براین اساس عبارت است از: در خوانش فضای عمومی پل خواجه، چه مؤلفه‌هایی بر رخداد کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی و ضرب‌آهنگ رخداد آن مؤثر هستند؟ و مدل نظری و زمینه‌ای برای خوانش فضای عمومی از منظر کنش مغایر با گفتمان رسمی پل خواجه چگونه است؟

از اواخر قرن بیستم میلادی مفهوم‌پردازی پیرامون فضا با محوریت «زندگی روزمره» مورد توجه اندیشمندان شهری و اجتماعی بوده است. در این دوران «زندگی روزمره» و مباحث اجتماعی وابسته به آن؛ به‌عنوان بستر تجارب زیسته در ابا فضا؛ به یک پدیده‌ی مسأله‌محور بدل می‌شود. اشکال فضایی روابط اجتماعی نمایان‌شده و تبدیل تناقضات طبقاتی به تناقضات فضایی، موجب گردیده تا فهم تحولات و نقش فضا در نقطه اصلی توجه اندیشمندان قرار گیرد، یکی از حوزه‌های اندیشه‌ای با محوریت آرای دوسرتو و شهرپژوهی انتقادی لوفور توجه به «زندگی روزمره» و فضای آن از منظر دگرگونی اجتماعی و مفهوم مقاومت است. در این آرا فضا تبلوری از ویژگی‌های «زندگی روزمره»، ابعاد سازنده‌ی آن و تصویری از شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فنی حاکم است. به این معنا که فضا از یکسو مبتنی بر فعالیت‌های روزمره در یک زندگی معمولی و عملکرد افراد در جریان زیستن هر روزه‌شان (فضای زیسته) و از سوی دیگر مبتنی بر عوامل سازنده‌ی حاکم (شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و دانشی و فنی) یک جامعه (فضای دریافته) یک کالای مصرفی می‌باشد. افزون بر این در این نگاه، فضای شهری مثابه‌ی صحنه‌ی کشمکش میان گروه‌های متعدد با منافع متضاد است که هر گروه به روشی خلاقانه سعی در شخصی‌سازی فضا و بهره‌مندی از آن دارند (برزگر، ۱۳۹۸). از این رو شهر و فضاهای آن به عرصه‌ی کشمکش میان نحوه‌ی عمل سطوح و گروه‌های مختلف بدل شده است. به بیانی دیگر شهر و فضاهای شهری عرصه‌ی رخداد کنش این گروه‌ها می‌باشد. باید تأکید داشت که در این رویکرد، کنش‌ها به‌عنوان بخشی از مکان درک می‌شوند. در این نگاه مکان هم زمینه‌ی کنش است که گروه‌های مختلف در آن عمل و اقدام می‌کنند و هم محصول کنش (Massey, 2005). بنابراین مطالعه‌ی کنش‌های زندگی روزمره در بستر استقرار مکانی و رخداد آنها هم‌پیوند بوده و برای فهم چگونگی تجربه‌ی مکان و ناگفته‌های خاموش و ضمنی زندگی روزمره امری ضروری است. مجموعه‌ی این علل و تجلی شهر و فضاهای آن به عرصه‌ی کشمکش و کنش مفهوم پیچیدگی و چندلایه‌ای بودن فضا را عیان ساخته و شناسایی لایه‌ها و سطوح عمیق آن را در خوانش فضای عمومی شهری به امری ضروری تبدیل کرده است، تا ظرفیت‌های پنهان فضا به‌ویژه ظرفیت‌های ناشی از پیوند زمان به فضا یا فضا‌مندشدن زمان در فرآیند مطالعه و برنامه‌ریزی فضا آشکار گردد. در بیان پیچیدگی

مبانی نظری (ادبیات نظری - پیشینه‌ی پژوهش)

۱- زندگی روزمره و تولید اجتماعی فضا

از سه دهه‌ی پایانی قرن بیستم میلادی مبتنی بر آرای نظریه‌پردازان انتقادی نظیر لوفور (۲۰۰۴)، دوسرتو (۱۹۸۴) و هاروی (۱۹۸۹)، کاربست «زندگی روزمره» در مباحث فضایی با دگرگونی و تغییر اندیشه‌ی اجتماعی و بسط مفهوم مقاومت اجتماعی در فضا همراه است. در این دوران فهم فضا از منظر بازتولید روابط اجتماعی مبتنی بر جدل سه سویه (تریالکتیک) فضایی، کمک شایانی به درک «زندگی روزمره» و فضای آن دارد. لوفور «زندگی روزمره» را «سطح سطح‌ها» با

دو زیرسطح می‌بیند که در تضاد شدید با یکدیگر هستند؛ یکی متناظر با جنبه‌ی انسانی و یوتوپییایی (بیرون از سلطه) و دیگری متناظر با جنبه‌های غیرانسانی و بورژوازی [تحت سلطه] است (لوفور، ۱۳۹۱). در «زندگی روزمره» بخش‌های تحت سلطه و انباشتی (روزمرگی) با بخش‌های غیرانباشته که تحت سلطه نیستند (زندگی روزانه) تلاقی می‌کند و غنای زندگی مدرن از پرتوی آن آشکار می‌شود. در این دیدگاه با تأکید بر بازتولید کاپیتالسم، «زندگی روزمره» بستر کارهای معمول، تکراری و ملموس است که «امر روزمره» را در همه‌ی حوزه‌های زندگی عینیت می‌دهد (کیفر، ۱۳۹۳، ۳۷۰-۳۷۱). پیتر اسبورنه با تأکید بر آرای لوفور، روزمرگی را با اشکال یکنواخت، تکراری و از هم گسیخته موجود

۲- گفتمان رسمی و بروز کنش مغایر با آن

از آنجایی که فرآیند «تولید اجتماعی فضا» از یکسو بازتولید روابط قدرت (سیاسی-اقتصادی-ایدئولوژیکی) در شکل استراتژی فضایی (نیرو از بالا) و از سوی دیگر تلاش برای به رسمیت شناخته شدن و داشتن حق و کسب مشروعیت در شکل تاکتیک‌های فضایی (نیرو از پایین) است؛ از این رو توجه به ساختارهای شکل دهنده هر دو نیرو امری ضروری است. در این نظریه فضا در پرتوی چالش میان این دو نیرو دائماً تولید و مصرف می‌شود. «گفتمان رسمی» به مثابه‌ی نماینده‌ی قدرت‌های بازنمایی در اشکال تعیین‌کننده‌های معرفتی (ایدئولوژی و دانشی)، سیاسی (حکومتی)، اقتصادی و اجتماعی (تجربه‌ی زیست و فرهنگ) در دو سطح ماکرو و میکرو قابل شناسایی است. از این رو «گفتمان رسمی» شامل روابط قراردادی و همگانی (جمعی و اشتراکی) فراتر از تعاملات ظاهری است که می‌تواند در مقیاس‌های مختلف در فضا و زمان مبتنی بر فرآیندهای رسمی [چارچوب گفتمانی] تحقق پذیرد (Misztal, 2002, 21). فرآیند رسمی در دو سطح: ماکرو (شامل قراردادهای رسمی، قوانینی که بر چگونگی ساخت سیستم و ساختارهای قدرت نظارت دارد و می‌تواند شامل تعیین‌های سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و دانشی باشد)؛ و میکرو (که بر روابط و تعاملات و تعیین‌های ناشی از نظام‌ها، رفتارها و گروه‌ها دلالت دارد) مطرح می‌شود. به بیانی دیگر «زندگی رسمی» از طریق فرآیند رسمی در دو شکل قوانین و مقررات ساختاری (مبتنی بر روابط قراردادی) و هنجارها و بایدهای و نبایدهای نظام تعاملات اجتماعی (مبتنی بر روابط اشتراکی) شکل می‌گیرد. این مجموعه توسط چارچوب‌های مشخصی ساختار می‌یابد که به آن «گفتمان رسمی» گفته می‌شود. تفاوت و تمایز میان دو سطح «گفتمان رسمی» امری گریزناپذیر است. تفاوت میان سطح قراردادی و انضباطی با سطح تعاملی و هنجاری گفتمان رسمی و دیالکتیک نوین میان این دو سطح، سطح سومی را تحت عنوان کنش (نمودی از تعاملات اجتماعی) در فضا یا کنش فضایی باعث می‌گردد (ibid.).

در فضای شهری، هر اندازه کنش فضایی با قدرت بیشتری تحقق یابد، مشروعیت بیشتری خواهد یافت و امکان هنجارمند شدن و حرکتش به سمت نهادینه شدن و تثبیت قطعی فراهم می‌شود. این کنش‌ها به منظور تشخیص‌یابی و هویت‌یابی در بستر «گفتمان رسمی» و از طریق رقابت فرآیندهای نقش‌سازی و هویت‌سازی هنجارمند و به دنبال هویت‌یابی نهادینه از طریق گفتمان‌ها و رفتارهای استاندارد شده در مقابل نقش‌سازی و هویت‌یابی فردی تجلی می‌یابند (فکوهی، ۱۳۸۳). کنش‌های فضایی در طیفی از کنش‌ها، رفتارها و فعالیت‌های هم‌نوا و مغایر و متضاد با «گفتمان رسمی» تجلی می‌یابند. این کنش‌ها به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی بین دو موضع ثابت، پایدار و ساختار یافته «گفتمان رسمی»؛ شامل گفتمان نهادی و گفتمان هنجاری که دارای مشروعیت و رسمیت تمام هستند؛ قرار دارد. کنش‌های سازگار (هم‌نوا)، کنش‌های هستند که در اشکال گوناگون رفتارهای هم‌ساز و مطابق با نیروهای سازنده و شکل‌دهنده به نظم عمومی فضا (گفتمان رسمی) قرار دارند و هدف اصلی از رخداد آنها را باید تلاش برای یکپارچه‌سازی دانست؛ و کنش‌های متضاد کنش‌هایی هستند که در تضاد با گفتمان مسلط و با هدف رهایی از قیدوبندها در قالب جماعت‌های شهری انجام می‌پذیرد. در بین این دو سر طیف کنش‌های مغایر قرار دارند که نه در

در روزمره‌ی مدرنیته یکی می‌داند. رابرتز روزمره را «چگونگی تحول اجتماعی و مقاومت طبقاتی» و روزمرگی را «چگونگی مدیریت سرمایه بر اتمی شدن و تکرار» معرفی می‌کند (شمولی، ۱۳۹۳، ۴۰۴). بر این اساس از موضوعیت زندگی روزمره، دو سطح روزمرگی و زندگی روزانه قابل شناسایی و تمیز است. «امر روزمره» آن بخشی است که توسط دستگاه‌های نهادی و به شکلی فراگیر همه‌ی ارکان «زندگی روزمره» را در بر می‌گیرد و با اعمال یکنواختی و تکرار از طریق یکپارچه‌سازی، روزمرگی را عینیت می‌بخشد؛ و «زندگی روزانه» بخش خلاق و نوآورانه است که با رویکردی مقاومتی در تضاد با روزمرگی شکل می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۳). تجلی این سطوح را باید از یکسو در فضای اجتماعی و روش تولید آن و از سوی دیگر در شهر و آرایش فضای شهری؛ آنچه لوفور (۱۹۹۱) از آن با عنوان «تولید اجتماعی فضا» یاد می‌کند؛ باز جست. تولید اجتماعی فضا در سه شکل: روش مادی (عمل فضایی/ فضای دریافته)، روش ذهنی (بازنمایی فضایی/ فضای پنداشته) و روش زیستی (فضای بازنمایی/ فضای زیسته) پدیدار شده و فضای شهری با سه مؤلفه هم‌زمان فضای دریافته (آرایش فضایی طی کنش فضایی)، فضای پنداشته (بازنمایی فضا به‌دست قدرت و متخصصان) و فضای زیسته (فضای بازنمایی شده یا نمود زندگی روزانه) رخ می‌نماید (حبیبی و برزگر، ۱۳۹۷). آنچه در این مدل (نمودار ۱) و مبتنی بر آرای لوفور در کتاب تولید فضا حائز اهمیت است رابطه‌ی سه فضا با یکدیگر و کنترل هر فضا توسط دو فضای دیگر و فرآیند تغییرات دائمی این سه فضا در ارتباط با همدیگر و تعدیل هر یک توسط دیگری می‌باشد.

لوفور (۲۰۰۴) «زندگی روزمره» را محل اصلی مقاومت اجتماعی می‌داند که در فضا و از طریق فضا در اشکال گوناگون کنش اجتماعی در یک آرایش فضایی خاص تجلی می‌یابد. در این دیدگاه جوهره‌ی اصلی شکل دهنده به فضا، نحوه‌ی عمل تولیدکنندگان فضا (نمود روزمرگی) به مثابه‌ی استراتژی‌های فضایی از یکسو و کنش کاربران به‌عنوان مصرف‌کنندگان فضا (نمود زندگی روزانه) و واکنش در برابر هر آنچه که به آنها تحمیل می‌شود به مثابه‌ی تاکتیک‌های فضایی از سوی دیگر و ارتباط میان این دو می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که «تولید اجتماعی فضا» با هدف تبیین چگونگی شکل‌گیری و تحولات فضای شهری از طریق ردیابی دیالوگ سه سویه درون فضا می‌باشد.



نمودار ۱- مدل سه‌گانه‌ی فضایی. مأخذ: حبیبی و برزگر، (۱۳۹۷)

تضاد و نه در هماهنگی کامل هستند. اینها در طیفی از رفتارها در فضا بروز عینی می‌یابند و قابلیت خوانش دارند.

۳- کنش مغایر با گفتمان رسمی در فضای عمومی شهری

«تعاملات اجتماعی» در اشکال گوناگون کنش و در قالب «زندگی عمومی» در بستر «فضای عمومی» تجلی می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۴). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های «فضای عمومی» را باید باز نمودی مکانی زندگی عمومی دانست (مدنی پور، ۱۳۹۲). این باز نمود مکانی نمایشی از رابطه‌ی مردم با یکدیگر، مردم با مکان و مردم با زمان است (رلف، ۱۳۸۹؛ اسمیت و لو، ۲۰۰۶). از آنجایی که «فضای عمومی» به‌عنوان قلمروی مشترک میان گروه‌های مختلف در طیفی از اختیارات قانونی تا شهروندی تغییر می‌کند (Mehta, 2014)؛ براین اساس نقش‌های فضای عمومی را می‌توان قانونمندی و نمایشی به مثابه‌ی تجلی رابطه‌ی تاریخی و طولانی ارتباط جمعی و نمایشی دانست (Sagan, 2015). چهار مؤلفه مؤثر بر تعریف فضای عمومی را در نمایش روابط و تعاملات جمعی باید اشتراک فضایی، مقبولیت فضایی، عمومیت فضایی و قانونمندی و هنجارمندی فضایی دانست (Bodnar, 2015). براین اساس یکی از عملکردهای آنرا می‌توان حول محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های ناشی از قدرت سیاسی-اقتصادی-ایدئولوژیکی و قدرت اجتماعی (قانون و هنجار) دانست، که به دنبال حفظ کلیت و همگنی فضا می‌باشد. از این رو ممنوعیت‌ها پایه‌ی اصلی نظم اجتماعی‌ای است که بر فضا تسلط دارد (لوفور، ۱۳۹۱). اغلب این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها به‌ویژه در «فضای عمومی» موجب می‌شوند تا مصرف‌کنندگان فضا با کنش‌های مقاومتی در مغایرت با آن محدودیت‌ها عمل کنند. اشکال مقاومت و مخالفت با این محدودیت‌ها در فضای عمومی را می‌توان عرضه‌ی ابژه‌هایی در فضای عمومی (اعم از کالاها، مصرفی، فرهنگی و نمایشی) دانست که از هر استفاده‌ی احتمالی ممنوع شده‌اند. بر این اساس چگونگی عملکرد «فضای عمومی» با تقسیم به مناطق خاص که استفاده از آن برای بعضی گروه‌ها ممنوع است، و یا با تقسیم‌بندی به فضاهای روز و شب و یا فضاهای کار و فراغت، تعیین می‌شود. عملکردهایی که پس از تاریکی و زمانی که ممنوعیت‌های حکمفرما در طول روز و در طول فعالیت‌های عادی برداشته می‌شود، بروز می‌نمایند. بیشتر این عملکردها مبتنی بر خوش‌گذرانی‌های غیر مجاز و شبه تخلفات سودآور است (همان). بررسی آرای زوکین (۱۹۹۶)، سورکین (۱۹۹۲)، تانکیس (۱۳۸۸)، هیلیر (۱۳۸۴)، کرمونا (۱۳۹۴)، ساگان (۲۰۱۵)، مدنی پور (۱۳۸۷) حاکی از آن است که سایر نقش‌های فضای عمومی؛ اشتراک فضایی، مقبولیت فضایی، عمومیت فضایی، به تأثیر از قانونمندی و هنجارمندی فضایی به دفعات در «زندگی روزمره» تغییر می‌کند. از سویی دیگر مطالعات میدانی (به‌ویژه براو و گوارالدا (۲۰۱۶)، مهتا (۲۰۱۴)، اوبین (۲۰۱۴)، کار و دیگران (۱۹۹۲)، لنگ (۱۳۸۶)، تیبالدز (۱۳۸۵)، ورنر و مودن (۱۹۹۲)، اندرسون (۲۰۱۶)) حاکی از سه تاکتیک کلی برای مقابله با ممنوعیت‌ها می‌باشد که عبارت است از: گزینش فضا، زمان و عضویت در گروه‌های اجتماعی خاص.

۴- عاملان کنش مغایر با گفتمان رسمی در فضای عمومی شهری

در مطالعات اجتماعی تعابیر مختلفی برای عاملان کنش‌های مقاومتی

شهری به‌کار رفته است. نظیر: تعبیر بیات (۱۳۹۶): قطب به حاشیه رانده شده در مقابل قطب مرجع؛ اسکات (۱۳۹۶): فرودست در مقابل گروه مرکزی؛ جین (۱۳۹۵): مصرف‌کنندگان فضا (مطلوب و نامطلوب)؛ باومن (۱۹۸۷ و ۱۹۹۸): مصرف‌کنندگان فضا (اغوا و سرکوب شده) در مقابل تولیدکنندگان فضا؛ ویلیامز که با عنوان گروه خارج از سلطه‌ی مرکزی از دو گروه نوظهور و پس‌مانده که نماینده‌ی سه نوع فرهنگ تقابلی، فرهنگ جایگزین و فرهنگ تطبیقی هستند، نام می‌برد. فرهنگ جایگزین، از فرهنگ مسلط انحراف دارد ولی بدون به چالش کشیدن جایگاه قدرت در سلسله‌مراتب اجتماعی تجلی می‌یابد. فرهنگ تقابلی فرهنگی است که می‌کوشد جایگاه مرکزیت و گروه مسلط را مستقیماً کسب کند و از این رو مستقیماً به تقابل با ساختار هژمونی بر می‌خیزد و فرهنگ تطبیقی که در انطباق با گروه مسلط و بازمانده از آن می‌باشد (شمولی، ۱۳۹۳، ۴۰۶-۴۰۷). در مطالعات فضایی نیز براساس مصرف‌کنندگان فضا دسته‌بندی‌های مختلفی وجود دارد. نظیر: فرانسیس (۱۹۸۹) که مصرف‌کنندگان فضا را به ۵ دسته استفاده‌کنندگان (کاربرها)، غیرکاربرها، مدیران فضا و مالکین، مقامات رسمی شهر و طراحان تقسیم می‌کند و کلویفل (۲۰۰۹) که رفتارکنندگان فضا را در دو گونه گروه‌هایی (شامل جمعیت تصادفی، ملاقات‌های رسمی، رویدادها و صف بستن) و ازدحام (شامل ازدحام خشونت‌آمیز: شورش و اغتشاشات، مجازات کردن و دعوای مردمی و ازدحام در شرایط بحرانی: فرار کردن و مطالبه کردن) معرفی می‌نماید. با توجه به این دسته‌بندی‌ها و مطالعات میدانی مافسولی (۱۹۹۶)، مایلز (۲۰۰۱)، چارتون و هولاندز (۲۰۰۲)، براو و گوارالدا (۲۰۱۶)، سوپترز (۲۰۱۷) می‌توان عاملین به کنش را در چهار دسته‌ی کلی کاربران، مسئولان، مصرف‌کنندگان و بازدیدکنندگان فضا دسته‌بندی نمود. همچنین براساس مطالعه‌ی آرای تانکیس (۱۳۸۸)، اندرسون (۱۹۹۰)، بیات (۱۹۹۷، ۲۰۱۳)، جوزف (۲۰۰۸) و میسگاو و فنستر (۲۰۱۶) می‌توان الگوهای غالب زیست عاملین کنش مغایر را زیست مبتنی بر آسیب‌پذیری (جنس و سن ضعیف)، تهیدستی (ضعف اقتصادی)، غیررسمی (غیرمشروع بودن)، و اخلاستی (اعتراضی و مطالبه‌گری) و اخلاقانه (نوآورانه) دانست.

۵- ضرب‌آهنگ کاوی؛ ابزاری تحلیلی برای توصیف رخداد کنش مغایر با گفتمان رسمی در فضای عمومی

یکی از رویکردهای بررسی «زندگی روزمره» و «فضای عمومی» رویکرد زمان-فضا و ابزار برخاسته از آن یعنی چرخه‌ی زندگی زمان-فضا [ضرب‌آهنگ] می‌باشد (Henckel et al., 2013). استفاده از مفهوم ضرب‌آهنگ در علوم اجتماعی ناشی از تلاش‌های لوفور (۱۹۹۲ و ۲۰۰۴) بوده و در آرای وی چرخه‌ی زمان-فضا در پرتوی دو امر چرخه‌ای و خطی تعریف می‌شود. امر خطی به دنبال نوعی نظم‌یافتگی به دنبال بیشترین قطعیت و امر دوری مبتنی بر تکرار است. براین اساس تکرار می‌تواند چرخه‌ای و متنوع و یا خطی و ثابت باشد. هر تکرار چرخه‌ای از طریق تکرار خطی به وجود می‌آید که در هماهنگی با یکدیگر در فضا با یکدیگر ارتباط می‌یابد (کولمن، ۱۳۹۶، ۱۲۸). کاربست مفهوم ضرب‌آهنگ در مباحث معاصر شهری را باید در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی و با تلاش‌های لینچ و گورویچ هم‌زمان دانست. در این دیدگاه ضرب‌آهنگ تولید می‌شود و نتیجه‌ی تغییراتی است که براساس پراکتیک‌های اجتماعی مختلفی تعریف می‌شود (Henckel et al., 2013). لوفور

Yıldırım, 2013 و کرمونا، ۱۳۹۴، فضاهای مبادله اجتماعی و فضاهای غیررسمی برخورد: تانکیس، ۱۳۸۸؛ فضاهای رویدادها: Han-ya, 2015، بافت شهری نظیر یک محله: بافت شهری نظیر یک محله: Steletto & Palmer, 2016 و پل: Baker & Chalana, 2016 تأثیر مناسبات (فرآیند) اجتماعی و شکل فضایی (نظیر تانکیس، ۱۳۸۸، تاجبخش، ۱۳۸۶ و هیلیر، ۱۳۸۸؛ و نقش فضای عمومی و کنشگران اجتماعی (نظیر Tang & Ho, 2018, Liu, 2011, Pascarella, 2011) می‌باشد. مطالعات شکلی و نوعی بر اشکال جدید فضای عمومی، مطالعات با محوریت مناسبات اجتماعی با سه رویکرد اقتصاد سیاسی فضا، فمینیستی و جهانی‌شدن به تأثیر الگوهای اجتماعی بر شکل فضایی و در نهایت کنشگران با محوریت چهار گروه نوین و سبک‌های جدید نظیر هنرمندان و پرسه‌زن‌ها، جوانان و گروه‌های خاص قومیتی (مهاجرین) و گروه‌های طردشده (زنان، فقرا و نظایر آن) و گروه‌های مخرب تأکید دارند.

این بررسی‌ها و روش‌شناسی هر یک نشان از آن دارد که از یکسو مطالعات فضایی در مقیاس خرد و مبتنی بر کنش‌های خاص و برخاسته از زمینه و تدوین مدل زمینه‌ای و از سوی دیگر خوانش ضرباهنگ بر اساس این مدل مورد توجه پژوهش‌های پیشین نبوده است. خلاء اشاره‌شده در این پژوهش با کاربست شیوه‌ی تحلیل «زندگی روزمره» در «فضای عمومی شهری»؛ یعنی نظریه‌ی زمینه‌ای؛ و با محوریت کنش مغایر با گفتمان رسمی که برخاسته از اندیشه‌ی زندگی مقاومتی می‌باشد؛ مورد توجه است تا به مدلی نظری-زمینه‌ای برای فضای عمومی پل خواجو در شهر اصفهان و خوانش ضرباهنگ رخداد کنش‌ها پرداخته و تصویری از «زندگی روزمره‌ی» مردم اصفهان در یکی از فضاهای تاریخی آن توصیف و تحلیل شود.

روش‌شناسی

با تأکید بر استفاده از روش‌های پژوهش کیفی جهت تحلیل «زندگی روزمره» در این پژوهش از روش سیار (گردشی) برخاسته از زمینه مبتنی بر مطالعه‌ی تجربیات استفاده می‌شود. «انجمن ارزیابی سیار: SAA» این روش را مبتنی بر علوم اجتماعی شامل استفاده از روش‌های زمینه‌ای برای شناخت و ارزیابی رفتار، فیزیولوژی، تجربه و جنبه‌های محیطی انسان در مکان و زمان اکنون تعریف می‌کند (SAA, 2019). در این پژوهش از دو روش مشاهده‌ی مستقیم و انجام مصاحبه عمیق با تأکید بر روش تئوری زمینه‌ای استفاده شده است، تا با به کارگیری استدلال استقرایی، مفاهیم و چارچوب نظری مرتبط با الگوی سیستماتیک (با تأکید بر نسخه‌ی سیستماتیک و مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین)، امکان ساخت یک مدل مفهومی برای خوانش مؤلفه‌های کنش مغایر با گفتمان رسمی در فضای عمومی شهری با تأکید بر تحلیل ضرباهنگ فراهم شود. کاربست روش تئوری زمینه‌ای برای دستیابی به مدل نظری - زمینه‌ای از طریق کدگذاری، مقوله‌سازی و در نهایت طبقه‌بندی روابط مقوله‌ها بر اساس دو گونه داده‌ی حاصل از مشاهده‌ی مستقیم و مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته انجام گرفته است. برداشت الگوهای رفتاری در دو بازه‌ی یک هفته‌ای در بهار و زمستان ۱۳۹۸ (به‌طور منظم) و طی سال‌های ۹۶ تا ۹۸ (به‌طور نامنظم) و داده‌های مصاحبه‌ی عمیق شامل ۲۱ نفر از استفاده‌کنندگان فضا می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان گزینشی و دارای حداقل ۲ سال سابقه‌ی حضور در فضا می‌باشند. نمونه‌گیری

در این زمینه با مقایسه‌ی ضرباهنگ‌های شهرهای مدیترانه‌ای و اقیانوسی به نتایج خاصی می‌رسد. او فقط به تأثیر اقلیم نپرداخته، بلکه به این موضوع که نظم حاصل از سوی قدرت و در مقابل، مقاومت لایه‌های زیرین به چه شکل خود را در فضاهای شهری نشان می‌دهد، می‌پردازد (برزگر و حبیبی، ۱۳۹۹). افزون بر این، لوفور (۲۰۰۴) در ضرباهنگ کاوی، تنها به فعالیت‌های روزانه‌ی مردم اکتفا نمی‌کند، بلکه زمان‌مندی آنها را نیز در اولویت می‌داند. وی در پروژه‌ی ضرباهنگ کاوی شهرهای مدیترانه‌ای، عوامل مؤثر را فرآیندهای چرخه‌ای، فرآیندهای خطی، فرآیندهای پنهان، عمومی و افسان‌های، کدها و مراسم آیینی، و عوامل شخصی بر می‌شمارد (Lefebvre, 2004). در ادامه‌ی مطالعات لوفور مجموعه پژوهش‌های گسترده‌ای با این موضوع انجام پذیرفته است. به‌عنوان مثال می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: زوباول با تأکید بر الگوهای ساختار زمانی سه الگوی مهم را نظم فیزیکی (فیزیوریتیم)، نظم بیولوژیکی (بیوریتیم) و نظم اجتماعی (سوشیوریتیم) در نظر می‌گیرد (Zerubavel, 1985). وندرلیچ ضرباهنگ شهری را تابع عوامل اجتماعی، فرهنگی، طبیعی، احساسی (اعم از عوامل صوت و بو و نظایر آن) و فضایی بر می‌شمارد (Wunderlich, 2008). سه عامل تأثیرگذار بر ضرباهنگ را می‌توان ویژگی‌های اقلیمی، فرهنگی (آداب و رسوم) و فن انتظام‌بخش بر شمرد (حبیبی و برزگر، ۱۳۹۷). هاروی (۱۳۹۰) چگونگی وقوع رخداد پدیده‌ها در سطح تجربه را در ضرباهنگ کاوی تابع ویژگی‌های زمانی و مکانی و ویژگی‌های گروه‌های عامل و شکل دهنده به آن می‌داند.^۲

با توجه به موارد فوق، جمع‌بندی مطالعات مبانی نظری بدین شرح قابل ارائه می‌باشد:

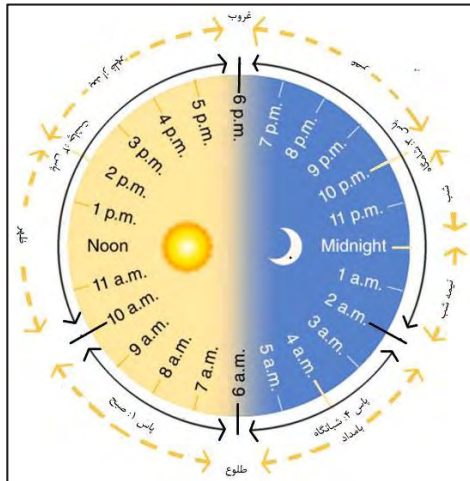
- شهر و فضاهای آن؛ به‌ویژه فضای عمومی؛ عرصه‌ی کشمکش و رخداد عینی طیفی از کنش‌ها میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فضا برای قبضه و تصرف فضا می‌باشد.

- کنش‌ها در تقابل با گفتمان رسمی به مثابه‌ی چارچوب شکل‌دهنده به فضا و عناصر سازنده‌ی آن، در طیفی از منظر سازگاری تا تعارض و تقابل با آن، قابل شناسایی هستند.

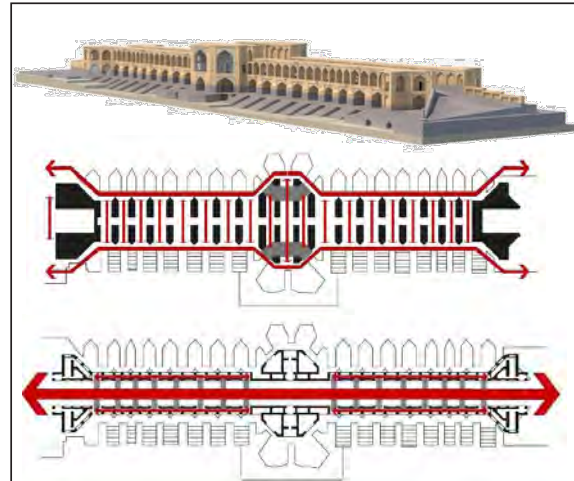
- این کنش‌ها و ارتباط آنها با فضا از طریق تحلیل ضرباهنگ و در پیوند با بستر زمانی و مکانی امکان کاوش عمیق‌تر لایه‌های پیچیده و پنهانی فضا را فراهم می‌کند.

۶- پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش با وامداری از مفهوم فضای عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با محوریت مفهوم «فضای عمومی» در حوزه‌ی اجتماعی می‌توان به آرای هابرماس، آرنت و سنت، فراسر، نکت و در حوزه‌ی فضایی به آرای مدنی‌پور، لنگ، هاروی، سورکین اشاره نمود. مهم‌ترین دیدگاه در این زمینه در دهه ۱۹۹۰ با آرای سورکین و با اعلام مرگ «فضای عمومی»، به‌عنوان آغازگر جریان جدید اندیشه‌ی متکثر در برخورد با این مفهوم می‌باشد. جریان جدیدی که به دنبال تبیین چیستی و ماهیت فضای عمومی و ادراک آن از منظر ویژگی‌های خاص مکانی، زمانی و فرهنگی بوده و «فضای عمومی» را در اشکال جدید و مبتنی بر چرخه‌ها و مکان‌های نوظهور تبیین می‌کند (Bodnar, 2015). بررسی پیشینه‌ی پژوهش با محوریت «فضای عمومی» نشان از سه دسته‌ی کلی مطالعات به شرح ذیل است: شکل و نوع فضایی (نظیر انواع فضایی:



تصویر ۲- تقسیم‌بندی زمانی.



تصویر ۱- بدنه‌ی شرقی، سیر کلاسیون طبقه‌ی اول و دوم پل خواجو.

از ساختن آن اتصال دو محله‌ی خواجو و دورازه حسن آباد با تخت فولاد و راه شیراز بوده است (همان). از سویی دیگر این پل نمادی از مردم هنردوست و آسایش‌خواه می‌باشد که نیاز به جایی برای خوش‌گذرانی و حظ‌بردن از مناظر زیبای زاینده رود داشتند. فضای پلکانی بر روی زاینده رود دلیلی بر تحقق این هدف است (پیرنیا، ۱۳۸۳). پل خواجو با مورفولوژی ثابت (نظیر موقعیت، فرم، عملکرد و تاریخچه‌ی فضایی) ریزفضاهایی را در دو طبقه به تفکیک شکل می‌دهد، که بستر رخداد فعالیت‌های مختلف حرکتی و تجمعی می‌باشد. قرارگیری این پل در مفصل ارتباطی یکی از ساختارهای اصلی شهر اصفهان (ساختار چهارباغ صدر و مسیر ارتباطی به تخت فولاد و شیراز) پذیرای هر دو فرهنگ محلات قدیمی-سنتی و توسعه‌ی جدید می‌باشد. از سویی دیگر قرارگیری این پل در مجاورت کاربری‌های خاص (اداری، نظامی، مذهبی و فرهنگی) این مکان را به یک نقطه استراتژیک و مورد توجه مقامات رسمی (از جمله رئیس دادگستری، امام جمعه، شورای شهر و شهرداری) از طریق حکم‌های قضایی، فرمان حکومتی و اجرایی بدل نموده است. فرم خطی این پل الگوهای رفتاری حرکت عبوری و سریع را برای پیاده‌رو در بالای پل (گذرگاه‌بودن) فراهم می‌آورد ساختار دانه‌بندی خاص این پل به شکل منفک و با ایجاد حفره‌هایی در زیر پل و رواق‌هایی در بالا از ویژگی‌های دیگری است که امکان کاهش دید و نظارت را از بیرون فضا فراهم می‌کند. وجود فضاهای پنهان سرپشته در ورودی شمالی و جنوبی، ویژگی‌های فرمی خاص دوپوش‌بودن برای انعکاس صدا، دانه‌بندی خطی و پلکانی بودن فضا، گستره‌ی دید به شرق و غرب (نفوذ دید)، امکان تجربه‌ی آب، وجود تزیینات خاص (گچ‌بری، کاشی‌کاری) و نمادهای خاص (شیرهای سنگی شمالی و جنوبی، ستونک‌های ابتدای پل) از دیگر ویژگی‌های این پل در جذب طیف مختلفی از استفاده‌کنندگان و بازدیدکنندگان، از طریق تلفیق حرکت عبوری با توقف‌گذران اوقات فراغت می‌باشد.

با بررسی ویژگی‌های کلیدی فوق می‌توان پنج نقش زیر را برای پل خواجو برشمرد: نمادین-فضا (مؤلفه‌ی کالبدی-زیباشناختی)، پل-فضا (مؤلفه‌ی عملکردی-ارتباطی)، پاتوق-فضا (مؤلفه‌ی فعالیتی-فراغتی)، رویداد-فضا (مؤلفه‌ی فعالیتی-نمایشی) و آب-فضا (مؤلفه‌ی زمینه‌ای-طبیعی)؛ که بر رخداد کنش‌ها و الگوهای رفتاری این فضا مؤثر است.

به‌صورت هدفمند و تکنیک گلوله‌برفی بوده است. ابتدا با حضور یک هفته‌ای در فضا افراد اصلی شناسایی و افراد بعدی با معرفی آنها مورد مصاحبه قرار گرفتند. در این پژوهش از نمونه‌ی ۱۸ به بعد اشباع نظری رخ داده، ولی نمونه‌گیری تا نفر ۲۱ ادامه یافته است. برداشت رفتار برپایه‌ی مشاهده‌ی مستقیم گروه برداشت‌کننده (۳ نفر هم‌زمان) بوده است. برداشت‌کنندگان فارغ‌التحصیلان ارشد رشته‌ی شهرسازی و دارای تجربه‌ی حضور در پل خواجو می‌باشند. برای تعیین موقعیت زمانی و مکانی الگوهای رفتاری از تقسیم‌بندی زمانی بر مبنای ساعات شبانه روز (طلوع، صبح، ظهر، بعد از ظهر، غروب، عصر، شب، نیمه‌شب و بامداد) و پهنه‌بندی پل در دو طبقه (طبقه‌ی اول: ورودی شمالی و جنوبی، پلکان‌های شرق، محور شرقی، فضای سکوها میانی (دهانه‌ها)، زیر سدبندها، محور غربی (سدبندها)، صفه‌ی آرامش، دهانه‌ی تنظیم آب شمالی (سکوی مرده‌شور)، برج‌های شمالی و جنوبی و طبقه‌ی دوم: رواق شرقی و غربی؛ محور میانی حرکتی، بیگلربیگی و ساختمان ورودی شمالی و جنوبی) استفاده شده است (تصاویر ۱ و ۲).

یافته‌های پژوهش

بنای پل خواجو؛ به‌عنوان یکی از زیباترین فضاهای عمومی شهر اصفهان که در عمیق‌ترین و پرآب‌ترین نقطه‌ی بستر زاینده‌رود بنا شده است؛ بنابر اقوال کتاب‌های مختلف به قبل از [تاریخ اسلام] برمی‌گردد و در زمان آق‌قویونلوها تعمیر و در دوران صفویه (شاه عباس دوم) بخش آجری آن احداث و توسط بیگلربیگی گری صدر اصفهانی، طبقه سومی به آن اضافه شده، که در زمان ظل‌السلطان تخریب می‌گردد (قزوینی، ۱۳۷۹). پل قدیم خواجو که در منطقه سنگی رودخانه بسته شده بود، برای کاروان‌هایی که می‌خواستند راهی شیراز و جنوب بشوند، گذرگاه بود (رجایی، ۱۳۹۰). از این رو مهم‌ترین رکن اصلی در پل خواجو عنصر آب می‌باشد. در دوره‌ی شاه‌عباس دوم، مواقعی که در کاخ‌های هفت دست و آیین‌خانه مراسم رسمی برپا بوده است پل خواجو تخته بند می‌شده و قسمتی از رودخانه که در مقابل کاخ سلطنتی مزبور بوده است به‌صورت دریاچه می‌شده و بر روی آن مراسم آتش‌بازی به عمل می‌آمده است (هنرفر، ۱۳۵۰). در حقیقت این پل را می‌توان یک کوشک-پل دانست (گلابچی و علاقمندان، ۱۳۸۹). افزون بر این مصداق بارزی از پل-فضا می‌باشد. به‌گفته‌ی تاریخ‌نویسان هدف شاه‌عباس دوم

پایش نظم فضا (ساختار نهادی)؛ شرایط مداخله‌گر یا تشدیدکننده (سه مقوله‌ی تعاملات انسانی (از پیش تعیین شده)، تبادلات فرهنگی و چگونگی هم‌پیوندی مقوله‌ها)؛ کنش‌ها، عمل و تاکتیک شامل تاکتیک‌های مصرف برنامه‌ریزی شده، تاکتیک‌های مصرف برای کسب خودمختاری (آزادسازی فضا) و تاکتیک‌های مصرف برای کسب مشروعیت در فضا با سه ابزار گزینش فضا-رفتار، گزینش زمان-رفتار و گزینش جمعیت (گروه)-رفتار می‌باشد (به‌عنوان مقوله مرکزی)؛ پیامدهای رخداد کنش‌ها با توجه به اهداف تاکتیک‌های فضایی در دو شکل پیامدهای مثبت شامل قابل‌پیش‌بینی بودن و قابل کنترل بودن فضا و آگاهی بخشی از مطالبات (آینده‌نگری برای فضا) و منفی شامل کاهش رسمیت و مشروعیت گفتمان رسمی در فضا و تصاحب و تملک فضا از گفتمان رسمی می‌باشد. مبتنی بر کدگذاری گزینشی، هدف، دستیابی به یک آرایش نظری جدید میان کدهای نظری و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مقولات بر پدیده‌ی مرکزی می‌باشد. در این مرحله روایت و داستان فضا به‌عنوان مدلی برخاسته از زمینه برای رخداد کنش‌ها در فضای عمومی شهری؛ پل خواجو؛ تفسیر شده است (نمودار ۲).

یافته‌های حاصل در این بخش حاکی از آن است که زمینه‌ی بروز عینی کنش در فضای پل خواجو؛ به‌عنوان یک فضای عمومی شهری؛ در بستر قدرت ایدئولوژی (نظم جهان‌بینی)، جغرافیای زیستی (نظم طبیعی) و ساختار فضایی (نظم محیطی) شکل می‌گیرد. این مقوله‌ها به‌عنوان عنصر زیربنایی شکل دهنده به کنش فضایی رابطه‌ی مستقیمی با رخداد کنش‌های روزانه در فضای کالبدی پل دارند. در این میان نظم

۱. مدل زمینه‌ای رخداد کنش در فضای عمومی پل خواجو

کدگذاری باز تا گزینشی: براساس روش زمینه‌ای سیتما تیک فرآیند تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز شروع می‌شود و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرآیند تحلیل کدگذاری گزینشی بیشتر مطرح می‌شود (فلیک، ۱۳۹۶). فرآیند کدگذاری در دو سطح در قالب مفاهیم عام (C)، مقوله‌ها (SC) و مقوله‌های کلان (TC) و سپس براساس مدل پارادایمی ارتباط مقوله‌ها در یک مدل زمینه‌ای ارائه و در نهایت مدل نظری با توجه به داده‌های زمینه‌ای شکل می‌گیرد. فرآیند کدگذاری در این پژوهش با توجه به داده‌های حاصل از مصاحبه در مرحله‌ی اول ۷۰۰ عبارت (گزاره) در مرحله‌ی کدگذاری باز به تعداد ۵۷ مفهوم (کد سطح اول)، ۲۲ مقوله (کد سطح دوم) و ۱۲ مقوله‌ی کلان (کدهای نظری) تقلیل یافته است. در کدگذاری محوری ارتباط مقوله‌ها در شکل جدیدی (براساس مدل پارادایمی) تدوین شده است. در این پژوهش پدیده‌ی مرکزی؛ رخداد کنش مغایر و تغییرات آن (شامل شدت، دوام، تکرار) به‌عنوان پدیده‌های که سایر مقوله‌ها به آن ربط پیدا می‌کنند؛ یا از آن ناشی (علل)؛ یا به آن منجر (پیامد) می‌شود؛ و یا تحت تأثیر آن (شرایط) و یا با برخورد آن (کنش و تاکتیک) می‌باشد، مطرح گردیده است. مقوله‌های کدگذاری باز در ۵ دسته عبارت است از: زمینه یا بستر (قدرت ایدئولوژی (نظم جهان‌بینی)، جغرافیای زیستی (نظم طبیعی) و ساختار فضایی (نظم محیطی)؛ علل (در دو مقوله‌ی بافتار فرهنگ نظم دهنده به زیست انسانی فضا (ساختار هنجاری)، ساختار مدیریت

جدول ۱- کدگذاری باز و مقوله‌سازی برای پل خواجو.

کد سطح سوم / کد نظری	هدف مشترک	کد سطح دوم / کد اساسی
TC1 = نظم‌دهی مبتنی بر ایدئولوژی مذهبی-انتظامی (حکومتی) فضا	نهادینه شدن و توسعه نهادی	SC1 = نوع قدرت نهاد مسلط بر فضا
(نظم ایدئولوژیک-حکومتی)	امداد فضا	SC2 = ابزار اعمال قدرت نهاد مسلط بر فضا
TC2 = نظم‌دهی مبتنی بر ساختار نهادی و مدیریت شهری در پایش فضا	ساماندهی و نظارت بر عملکرد-فعالیت و کالبد فضا	SC3 = سیاست‌های پایش فضا در شرایط معمولی
(نظم مدیریت پایش فضا)		SC4 = سیاست‌های پایش فضا در شرایط غیر معمول (پیش بینی نشده و موقت)
TC3 = نظم‌دهی مبتنی بر تعاملات انسانی از پیش تعیین شده در فضا	استفاده از ارزش‌های بومی در کنترل جریان‌ها (فعالیت‌های)	SC5 = گونه‌شناسی تعاملات در فضا
		SC6 = نظام ارزشی سازنده‌ی (ارزش‌های نهادی شده) تعاملات
TC4 = ساختار کالبدی-فضایی (نظم کالبدی-فضایی)	نمایش ساختار ثابت فضایی	SC7 = مورفولوژی فضایی
		SC8 = ویژگی‌ها و کیفیت‌های فضایی
TC5 = نظم‌دهی مبتنی بر بافتار فرهنگی در فضا	نهادینه شدن و هنجارمند شدن فرهنگ بومی	SC9 = نیازهای زیستی
(نظم هنجارین)		SC10 = ساختار فرهنگ بومی (خصیلت بومی)
		SC11 = ارزش‌های سازنده‌ی خرد فرهنگ‌ها و پادفرهنگ‌ها
TC6 = نظم‌دهی مبتنی بر تبادلات جدید فرهنگی در فضا	شکل‌دهی به اشکال جدید و مدرن زیست	SC12 = الگوهای جدید و جهانی تبادلات فرهنگی در فضا
	نمایش ویژگی‌های طبیعی و	SC13 = الگوهای جدید و جهانی عملکرد فضایی
TC7 = نظم‌دهی مبتنی بر عوامل طبیعی		SC14 = عوامل موثر بر محیط طبیعی
TC8 = کنش‌های فضایی منطبق با اهداف، راهبردها و سیاست‌های فضایی گفتمان رسمی (مصرف برنامه‌ریزی شده‌ی فضا)	تلاش برای برنامه‌ریزی فضا	SC15 = تاکتیک‌های فضایی منطبق بر سیاست‌ها و اهداف عملکردی فضا
		SC16 = تاکتیک‌های فضایی ه شروعیت‌زدایی از گفتمان رسمی در فضا (با هدف کاهش رسمیت و محدودیت‌های فضا)
TC9 = کنش‌های آزادسازی فضا از گفتمان رسمی (مصرف خودمختار فضا)	تلاش برای رهایی از محدودیت‌ها و استانداردهای فضایی و اقدام به تغییر فضایی	SC17 = تاکتیک‌های تملک و تصاحب فضا (با هدف شخصی‌سازی فضا)
		SC18 = تاکتیک‌های مبتنی بر روان‌پالایی در فضا (با هدف تخلیه روانی)
TC10 = کنش‌های فضایی برای به رسمیت شناخته شدن و کسب مقبولیت و پذیرش در فضا (مصرف برای کسب مشروعیت از گفتمان رسمی در فضا)	تلاش برای آگاهی‌دهی از خواسته‌ها و نیازهای انسانی (نیازهای طبیعی، نیازهای فروخورده و سرکوب شده) و	SC19 = تاکتیک‌های مبتنی مطالبات (ابرازگری مطالبات)
TC11 = راهبردها و تاکتیک‌های عملیاتی شدن کنش‌های فضایی	استفاده از ابزارها برای رسیدن به اهداف رخداد کنش	SC20 = ابزار تحقق تاکتیک‌های فضایی
TC12 = ساختار هم‌پیوندی مقوله‌ها (ارتباط بین مقوله‌ای)	تلاش بر تشدید یا تضعیف کنش‌ها	SC21 = اهداف تاکتیک‌های فضایی
		SC22 = چگونگی هم‌پیوندی مقوله‌ها یا تاکتیک‌های فضایی

ایدئولوژیک در یک رابطه‌ی مستقیم بر جغرافیای زیستی (نظم طبیعی: به‌ویژه آب) و ساختار فضایی (نظم محیطی: مورفولوژی و کیفیت فضایی) تأثیر می‌گذارد. قدرت ایدئولوژی با تعیین چگونگی حضور عنصر طبیعی (آب) عامل اصلی تغییر عملکردی پل از نقش ارتباطی به یک فضای برای مکث و توقف می‌باشد؛ که خود نمایشی از تلفیق فضایی است که مورد مقبولیت عمومی در مصرف فضا قرار گرفته است. ولی از سویی دیگر قدرت ایدئولوژیک پل را به فضایی انحصاری برای گروه‌های خاص (نیروی قدرت و عاملان آن) بدل نموده است که این امر دارای تناقض فضایی با عمومی‌بودن فضا می‌باشد. براین اساس کنش‌های روزانه در فضای پل خواجو در زمینه‌ی یک تلفیق فضایی و تناقض عمومی‌بودن و انحصاری‌شدن شکل می‌گیرد.

افزون بر این، دو مقوله‌ی دیگر؛ نظم حاصل از بافتار فرهنگ زیستی و نظم حاکم از ساختار مدیریت پایش فضا؛ در یک رابطه‌ی علی و معلولی با رخداد کنش و در یک رابطه‌ی معنادار با ساختار فضایی (تلفیقی متناقض) قرار دارد. مؤلفه‌های سازنده‌ی فرهنگ زیستی نیز به مثابه‌ی ساختار هنجارین در چهار محور نیازهای زیستی، فرهنگ بومی (خصلت مردم بومی) و ساختار خرده فرهنگ‌ها و پادفرهنگ‌ها قابل تعریف بوده و مؤلفه‌های سازنده‌ی مدیریت پایش محیطی (در دو شرایط پیش‌بینی‌نشده و معمولی) به مثابه‌ی ساختار نهادی شامل نحوه‌ی عمل مسئولان فضا (عاملان گفتمان رسمی) برای حفاظت، عملکرد، نظارت و کنترل نظم محیطی و چگونگی اعمال آن (زور، نفوذ، مشروع و غیرمشروع) می‌باشد و استراتژی‌های اجرای تحقق ایدئولوژی قدرت نیز در قالب انواع استراتژی‌های بازدارنده، تشویقی، مصالحه (سازش) و اجبار می‌باشد. همچنین ساختار هنجارین و ساختار نهادی به مثابه‌ی چارچوب‌های شکل‌دهنده به کنش در قالب هنجارهای فرهنگی و قوانین و مقررات اجتماعی شناخته می‌شوند. کنش‌ها در درجه‌ی اول تابع چشم‌انداز کلی فرهنگ و ارزش‌های سازنده‌ی خردفرهنگ‌ها با محوریت خرده‌فرهنگ‌های قومی-محله‌ای و سپس نیازهای زیستی با محوریت سه گونه‌ی نیازهای سنی (به‌ویژه نوجوانان، جوانان و سالمندان)، نیازهای تجربی-حسی و نیازهای جنسی و جنسیتی و در نهایت پادفرهنگ‌های برخاسته در این بستر با محوریت تقابل در چهار گونه‌ی تقابل نسلی و فرهنگ خانواده (تضاد نسلی و تغییر بافت خانوادگی به قبیله‌های نوین برخاسته از سبک جوانان)، تقابل اقتصادی و فرهنگ کار (تضادهای اقتصادی و طبقاتی و ظهور اشکال گوناگون کودکان و زنان کار خیابانی) و تقابل حاشیه و شهر و فرهنگ مهاجرین و تقابل جنسی با ظهور اشکال نمایش زنانگی در فضا (تغییر پوشش و نمایش و یا استفاده از پوشش برای پنهان‌کاری) می‌باشد. ساختار مدیریت پل خواجو به مثابه‌ی یک فضای عمومی تاریخی که هم مورد توجه جامعه‌ی داخلی و خارجی می‌باشد، این مکان را به بستر تصمیم‌های ارگان‌ها و مقامات مختلف رسمی، دولتی، مردم نهاد، بسیج، غیردولتی، عمومی، نظارتی و کنترلی بدل نموده است. این ساختار مدیریتی ترکیبی تحت تأثیر سیاست‌های رسمی و حکومتی می‌باشد که در اشکال حضور رسمی در فضا کنش‌ها و وقایع محیطی را کنترل و نظارت می‌کنند.

در ادامه، می‌توان به مقوله‌ی تعاملات از پیش تعیین‌شده (رویدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی)، تبادلات فرهنگی ناشی از حضور بازدیدکنندگان، رسانه‌های جمعی، فضاها، عملکردی نوین در

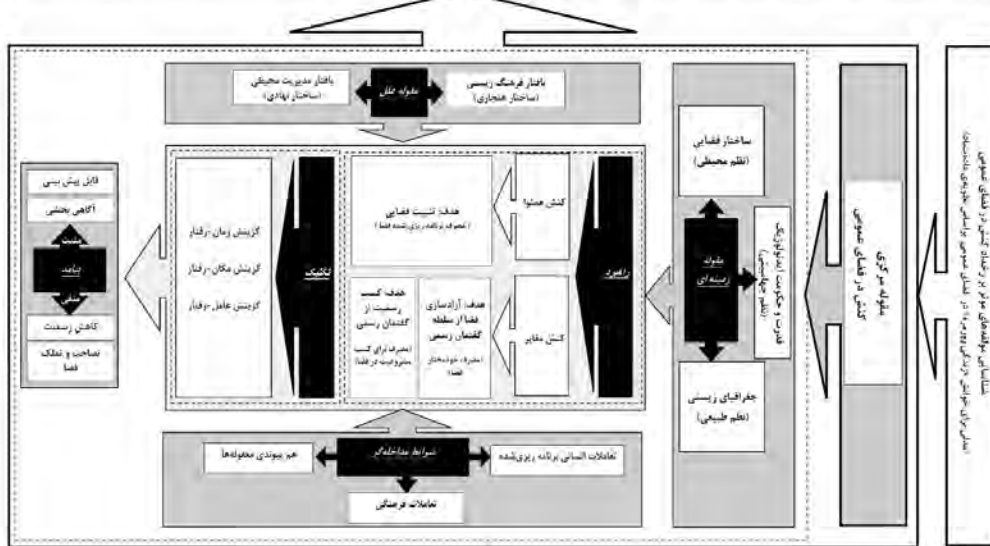
فضا و چگونگی هم‌پیوندی؛ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مقوله‌ها بر هم؛ به‌عنوان شرایط مداخله‌گر اشاره نمود. رابطه‌ی مستقیمی میان بروز رویدادهای پیش‌بینی‌شده و کنش‌های روزانه وجود دارد. در تعاملات از پیش تعیین‌شده، تنوع رخداد کنش‌های روزانه، شدت و مکان آن به دلایل نظارت و حضور مستقیم مسئولان و بازدیدکنندگان فضا و تراکم جمعیتی بالا به‌طور محسوس تغییر می‌کند. تغییر مکانی رخداد کنش‌های روزانه به فضاهای حاشیه‌ای در پارک نمونه‌ای از این تغییرات می‌باشد. کنش‌های ناشی از تبادلات فرهنگی به مثابه‌ی پدیده‌هایی از پیش تعیین‌نشده و نو در فضا بر کیفیت رخداد کنش‌های روزانه در راستای نقش نمادین فضا تأثیر می‌گذارد.

کنش‌ها و تاکتیک‌ها؛ که در این پژوهش مقوله‌ی مرکزی به حساب می‌آیند؛ در دو گروه کلی راهبردها و تکنیک‌های هم‌نوا (منطقی) و مغایر از منظر ساختار نهادی و هنجارین گفتمان رسمی در سطح ظاهر و ساختار ایدئولوژیک در سطح پنهان در فضای پل خواجو قابل شناسایی است. یک محور کنش هم‌نوا و ۴ محور کنش مغایر با گفتمان رسمی در فضا قابل شناسایی است. مصرف برنامه‌ریزی‌شده اشکال گوناگونی از الگوهای رفتاری را شامل می‌شود که با گفتمان رسمی هم‌راستا می‌باشد. مصرف آزاد (خودمختار) فضا در دو گونه‌ی الگوهای رفتاری قانون‌ستیزی-هنجارستیزی و تغییر-تملک فضا یکی از محورهای کنش مغایر با گفتمان رسمی است. گونه‌ای دیگر از کنش مغایر، مصرف فضا برای کسب مشروعیت و بیان نیازهای فروخورده و سرکوب‌شده در دو شکل تخلیه‌ی اجتماعی و روان‌پالایی و مطالبه‌گری در چهار گونه‌ی مطالبات فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی در فضا نمود عینی می‌یابد. هدف از رخداد این کنش‌ها را باید به ترتیب تثبیت فضایی، آزادسازی فضا از سلطه‌ی گفتمان رسمی و کسب مشروعیت در فضا از گفتمان رسمی دانست. پیامد حاصل از این کنش‌ها شامل دو گونه‌ی مثبت: قابل پیش‌بینی‌بودن فضا (قابل کنترل بودن فضا) و آگاهی‌بخشی از مطالبات و خواست‌ها و نیازهای فروخورده یا سرکوب‌شده و منفی: کاهش رسمیت فضایی و تصاحب فضا از گفتمان رسمی می‌باشد که به نوعی می‌تواند به بی‌نظمی در فضا منجر گردد.

۲- بررسی شاخص‌های زمانی- مکانی- عاملین کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی در پل خواجو

در مرحله‌ی بعد با توجه به کدهای نظری مرتبط با بروز کنش‌های مغایر به برداشت بخش عینی کنش‌ها به‌عنوان الگوهای رفتاری مغایر از منظر شاخص‌های زمانی (نوع زمان از منظر اجتماعی-معمولی، آیینی، رویدادی (نمایشی)، بحرانی؛ نوع زمان از منظر تراکم جمعیت: زمان خلوتی شلوغی؛ نوع زمان از منظر نور: زمان روشنایی و تاریکی؛ موقعیت زمانی در شبانه‌روز: طلوع، صبح، ظهر، بعد از ظهر، غروب، عصر، شب، نیمه‌شب، بامداد؛ تواتر: روزانه، هفتگی، ماهانه، فصلی، سالانه؛ تکرار: زیاد، متوسط، کم؛ نوع تکرار: دائمی (مستمر)، منقطع، ناگهانی)؛ شاخص مکانی (موقعیت مکانی؛ شاخص مکانی از منظر چشم‌ناظر: در معرض دید (آشکار) و پنهان؛ نوع فضا: مسیر، گره‌گاه، آستانه، لبه و پهنه؛ از منظر محصوریت: باز و بسته، از منظر کیفیت شاخص مکانی) و شاخص کنشگران (نوع کنشگران از منظر مصرف‌کنندگان فضا: کاربران، مسئولان، تصرف‌کنندگان و بازدیدکنندگان؛ از منظر سطح رفتار: فردی و گروهی و از منظر عامل مشترک گردهمایی با توجه به نقش پل:

نمونه‌های نوآور بر رخدادهای کنش‌ها همچون مغایر با گفتمان رسمی، در زمینه‌های استراتژی‌های قدرت ایدئولوژیک، که به ساختار فضایی و جغرافیای زمینی تأثیر می‌گذارد، تجلی می‌یابد. این زمینه از طریق بافتار هنجارین فرهنگ و ساختار نهادین مدیریت فضا کنش‌های فضا را در یکدست‌ها، همچون بافتار در الگوهای رفتاری مبتنی بر «صرف فضا» شکل می‌دهد. «صرف فضا» در این دیدگاه در سه محور «صرف برآمده‌ریزی شده (با هدف تثبیت فضایی)، «صرف خودمختار (صرف آزادانه از فضا) و «صرف برای کسب مشروعیت از گفتمان رسمی (مشروعیت‌طلبی) تجلی می‌یابد. این مصرف تحت شرایط اجتماعی (عاملات انسانی برآمده‌ریزی شده)، عاملات فرهنگی برآمده‌ریزی شده و تأثیرگذاری نمونه‌ها بر هم‌پوش و شدت کنش تأثیر می‌گذارد. پیامدهای صرف فضا بر این اساس به دو شکل «منفی قابل شناسایی است. منتهی، فضا به یک پدیده‌ی قابل پیش‌بینی بدل می‌گردد، گفتمان رسمی از مطالبات شهروندان آگاهی می‌یابد (اینده‌نگری برای فضا) و منفی: رسمیت گفتمان رسمی و فضا کاهش می‌یابد (مشروعیت‌زدایی از گفتمان رسمی) و فضا از گفتمان رسمی تصاحب می‌شود (تعلک فضا از گفتمان رسمی).



نمودار ۲- مدل نظری-محتوایی رخدادهای کنش در پل خواجو پژوهش.

الگوهای مغایر با گفتمان رسمی مبتنی بر تملک و تصاحب فضا است که به دنبال شخصی‌سازی و قلمروسازی فضا می‌باشد. رخداد این کنش‌ها تابع نحوه‌ی عمل تصرف‌کنندگان و بازدیدکنندگان فضا می‌باشد. بررسی شاخص‌های مربوطه، نشان از آن دارد که این الگوهای با شدت کم تا زیاد در تمامی روزهای سال (تواتر روزانه) تحقق می‌یابد. حضور آب و خورشید خورشید (طلوع) در رابطه‌ای مستقیم و تراکم جمعیت در رابطه‌ای معکوس با این قرار دارند.

کنش‌های مبتنی بر کسب مشروعیت از گفتمان رسمی: تخلیه‌ی اجتماعی (روان‌پالایی) و ابرازگری مطالبات:

دسته‌ی آخر از کنش‌های مغایر برای کسب مشروعیت در فضا شامل ۲ گونه‌ی کنش‌های تخلیه‌ی اجتماعی (روان‌پالایی) و ابرازگری مطالبات در فضا می‌باشد. تخلیه‌ی اجتماعی در دو شکل فردی و جمعی در اشکال گوناگون روان‌پالایی مثبت و منفی در فضا و مطالبات در اشکال گوناگون مطالبات اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی دیده می‌شود.

روان‌پالایی مثبت در اشکال گوناگون کنش‌هایی برای تمدد اعصاب با حضور غیرفعال (حاضر خاموش) و گروه‌های پرسه‌زن، کنش‌های لذت‌جویی مثبت و شادی در فضا (نظیر آوازخوانی، ساززنی فردی، نوشتن و نقاشی کردن و نظایر آن) می‌باشد. از منظر شاخص زمانی این الگوها بیشتر در نیمه‌ی اول سال در دو پاس ۱ و ۲ (صبح به‌ویژه طلوع، بعدازظهر به‌ویژه غروب، عصر و بامداد) و در نیمه‌ی دوم سال در پاس ۱، ۲ و ۳ (صبح، ظهر، بعدازظهر، عصر) دیده می‌شود. بررسی‌های میدانی حاکی از آن است که این کنش‌ها در روزهای معمولی تابع سه پارامتر جمعیتی (خلوتی)، نور (روشنایی) و اشتغال (فراغت از کار و تحصیل) و شاخص اقلیمی (فصلی): دما، تابش (حضور خورشید) و جریان آب) می‌باشد. این الگوها در تواتر روزانه به‌صورت منقطع در شدتی کم تا زیاد در فضا دیده می‌شوند. برداشت میدانی حاکی از آن است که این الگوها در نیمه‌ی اول سال به دلیل شرایط فصلی مناسب

نمادین، ارتباطی، فراغتی، آب) دسته‌بندی و تحلیل شدند. این الگوها در پل خواجو در ۴ دسته الگوهای مشروعیت‌زدایی، تغییر و تملک فضایی و تخلیه اجتماعی و مطالبات قابل شناسایی هستند.

کنش‌های مبتنی بر مشروعیت‌زدایی از گفتمان رسمی (قانون‌ستیزی - هنجارستیزی و تملک و تصاحب فضا):

در پل خواجو مشروعیت‌زدایی از گفتمان رسمی شامل در دو گونه کنش‌های قانون‌ستیزی-هنجارستیزی و تملک و تصاحب فضا برای کنش‌های جاری در فضای خصوصی می‌باشد. قانون‌ستیزی در کنش‌های سرپیچی از قوانین مرتبط با فضاها و اماکن عمومی، فقه و شرع اسلامی، میراث فرهنگی-تاریخی و قوانین راهنمایی و رانندگی و سرپیچی از هنجار در سه شکل سرپیچی از هنجارهای سنتی، روابط خانوادگی و آداب اجتماعی می‌باشد. این الگوها با شدت بالا در موقعیت (پاس) ۳ در نیمه‌ی اول سال و در موقعیت ۲ در نیمه‌ی دوم سال متمرکز است. شدت رخداد این الگوها در روزهای پایانی هفته نسبت به روزهای عادی به دلیل وابستگی آن‌ها به شاخص کار (اشتغال) و تعطیلات رسمی هفتگی بیشتر می‌شود. در نیمه‌ی نخست این کنش‌ها از تواتر روزانه (فراغت از کار روزانه) و در نیمه‌ی دوم از تواتر هفتگی (فراغت از کار هفتگی و تعطیلات رسمی هفتگی) تبعیت می‌کند. شدت رخداد این الگوها تابع نحوه‌ی عمل تصرف‌کنندگان فضا به‌ویژه چهار گروه پسران جوان (بی‌کاران به‌ویژه سربازان، مجرمان نظیر آزادشده‌ی موقت از زندان، خوش‌گذرانان (لذت‌جویان منفی): مصرف‌کنندگان مواد مخدر و مشروبات الکلی)، دختران جوان و سالمندان می‌باشد. بررسی شدت رخداد این کنش‌ها وابستگی آن‌ها به شاخص‌های فصلی (دما و شدت تابش) و جغرافیایی (طول روشنایی روز) و طبیعی (جریان آب) را نشان می‌دهد. خردفضای سکوه‌های میانی و فضای رواق‌های طبقه‌ی دوم (به‌ویژه وجه غربی) با توجه به دو ویژگی محصوریت فضایی و دور از چشم جمعیت، مورد توجه این گروه که در ساعات پس از غروب در فضا بیشتر به‌صورت گروهی حاضر می‌شوند، می‌باشد. دسته‌ی دیگر از این

نشستن فردی و گروهی زنان (چادری، ورزشکار) برای انجام فعالیت‌های آزادانه در زیر پل و پرسه‌زنی روی پل نمونه‌ای از این الگوها می‌باشد. از منظر شاخص زمانی زنان در هر دو نیمه‌ی سال بیشتر پاس ۱ و ۲ (صبح، ظهر، بعداز ظهر، عصر) در فضا حاضر هستند. کنش‌های زنان تابع پارامتر جمعیت (خلوتی)، نور (روشنایی) و فرغت از کار (خانه) و شاخص اقلیمی (درجه حرارت و جریان آب) می‌باشد که به‌صورت روزانه و منقطع در شدتی کم تا زیاد در فضا دیده می‌شود. از منظر شاخص مکانی زنان فضاهایی را انتخاب می‌کنند که در معرض دید (آشکار) باشد از این‌رو لبه‌ها (مرزها) نظیر پلکان‌های شرقی جاذبه‌ی بیشتری برای زنان دارد. از سویی دیگر زنان فضاهای منفک و جداشده نظیر سکوه‌های دهانه‌ی ابتدایی را بیشتر دوست دارند و بیشتر استفاده می‌کنند. برای پرسه‌زنی، زنان بیشتر مسیرهای طبقه‌ی اول را که امکان سهولت حرکت را فراهم می‌آورد انتخاب می‌کنند. از منظر شاخص جمعیتی زنان بیشتر به‌صورت قرارهای از قبل تعیین شده (ملاقات رسمی) و بعضاً جمعیت تصادفی به‌صورت گروهی (و به‌ندرت فردی) در فضا حاضر می‌شوند. با توجه به خصلت‌ها و فرهنگ بومی فعالیت این گروه با تراکم جمعیتی به‌ویژه گروه‌های پسران و مردان رابطه‌ی معکوسی دارد و با حضور این گروه‌ها، حضور آن‌ها به شدت کاهش می‌یابد. این گروه‌ها برای حضور در فضا معمولاً از عضویت در گروه‌های اجتماعی مورد پذیرش جامعه (خانواده) و با گروه‌های مشروع فضا نظیر گروه‌های ورزشی، هنری و نظایر آن بهره می‌گیرند.

دسته‌ی سوم از مطالبات اجتماعی-فرهنگی از سوی سالمندان (به‌ویژه بازنشستگان) می‌باشد. کنش‌های این گروه بیشتر در شکل ورزش صبحگاهی، نشستن‌ها و دورهمی‌های روزانه (در اشکال صبحانه و چایی خوردن و گپ و گفتگوهای پیرامون مسائل مذهبی، سیاسی و اقتصادی روز) می‌باشد که نمایشی از مطالبه برای داشتن و بودن در فضایی برای با هم بودن و در جمع بودن و بیان نیاز به فضایی برای آرامش و گذران وقت و در جمع بودن است. این گروه به دنبال اثبات رسمیت خویش در فضا و به شکلی گروهی و از قبل برنامه‌ریزی شده در ساعت مشخصی در مکان‌هایی مشخص و ثابت دیده می‌شود. این افراد در سه گروه مشخص پیشکسوتان ورزشی، بازنشستگان (معلمان) و سرهنگ‌ها (اصطلاحی که بیشتر بین مردم متعارف است) در دو بازه‌ی مشخص در فضای حاشیه‌ی شمال شرقی پل و ساختمان‌های شمالی و جنوبی (کنج‌ها) در دو پاس ۱ و ۲ (صبح و ظهر و بعد از ظهر) به‌صورت منقطع و در هر دو نیمه‌ی سال به‌صورت روزانه دیده می‌شوند. مهم‌ترین ویژگی‌گزینش مکانی این کنش‌ها در معرض دید بودن و دیدن (دیدن و دیده شدن) می‌باشد. از این‌رو مکان‌هایی از پل مورد مقبولیت آن‌هاست که بیشترین دید را (از درون به بیرون و یا بیرون به درون پل) دارد.

کنش‌های جوانان برای کسب مشروعیت نمایشی از سبک‌های نوین زیست می‌باشد که در قالب فرهنگ‌های آستانه‌ای و پادفرهنگ‌ها در فضای پل دیده می‌شود. مخاطبان جوان پل به ترتیب جوانان حاشیه‌ای با سبک زیست تهاجمی و بعضاً با هدف خوش‌گذرانی‌های منفی، سربازان جوان، جوانان نوظهور با سبک زیست به تأثیر از زیست مجازی، جوانان روشنفکر و تحصیل کرده می‌باشند. با توجه به موقعیت مکانی و ارتباطی پل خواجه و قرارگیری آن در امتداد محور اصلی شمالی-جنوبی (صدرخواجه-تخت فولاد) و شرقی-غربی (مشتاق) این مکان

از شدت بیشتری برخوردار است. از منظر شاخص مکانی بیشتر پلکان شرقی (به‌ویژه هنگام جاری بودن آب)، سکوه‌های میانی در زمان خلوتی و رواق‌های غربی و شرقی در زمان طلوع و غروب که امکان نشستن منفرد را فراهم می‌کنند، دارای مقبولیت عمومی می‌باشد. این کنش‌ها به تأثیر از نقش فراغتی، کالبدی و طبیعی بیشتر در فضاهای لبه (مرز) موجود در فضا که از کیفیت تبدیل‌پذیری و ارتباط نزدیک با طبیعت برخوردار است بروز می‌یابند. از منظر شاخص جمعیتی بیشتر این الگوها توسط تصرف‌کنندگان فضا (به‌ویژه زنان و سالمندان (آسیب‌پذیران) و پرسه زن‌های جوان) دیده می‌شود که به‌صورت جمعیت تصادفی و به‌صورت فردی در فضا دیده می‌شود. روان‌پالایی منفی در اشکال آسیب به خود (نظیر خودکشی) یا آسیب به دیگران (نظیر دعوا و زدو خورد) و انواع لذت‌جویی‌های منفی جنسی نظیر بدن‌نمایی و نمایشگری و لذت جنس نامتعارف، مصرف مواد مخدر و نعشگی در فضا دیده می‌شود. این کنش‌ها تابع دو پارامتر جمعیتی (خلوتی) و نور (تاریکی) بوده و با شدت کم و به‌طور ناگهانی بیشتر در فضاهای پنهان زیر دهانه‌های پل، ساختمان‌های ورودی شمالی و جنوبی (برج‌های ورودی) و دهانه‌ی تنظیم آب (دهانه‌ی روبروی سکوی مرده‌شور) که از دید پنهان می‌باشد، رخ می‌نمایند. نقش ارتباطی و کالبد خاص این بنا (به‌ویژه دانه‌بندی و محصوریت فضایی) عامل مؤثر بر رخداد این الگوهاست. از منظر شاخص جمعیتی عاملان این کنش‌ها تصرف‌کنندگان فضا به‌ویژه علافان و عیاشان (گروه‌های جوانان خوشگذران و خرابکار) و کارگران جنسی می‌باشند که به‌صورت فردی و گروهی در فضا حاضر می‌شوند. پرس و جوها حاکی از آن است که این الگوها بیشتر در شب و نیمه‌شب (پاس ۳) در فضا و در هر دو نیمه‌ی سال دیده می‌شود.

کنش‌های مبتنی بر ابرازگری مطالبات در شکل مطالبات اجتماعی-فرهنگی در پل خواجه با محوریت هنرمندان (به‌ویژه خوانندگان و نوازندگان)، زنان، سالمندان، جوانان، گروه‌های خاص جنسی، مهاجرین و معرکه‌گیران (سرگرم‌کنندگان) قابل شناسایی است. دسته‌ی اول از مطالبه‌گری اجتماعی شامل هنرمندان آوازخوان و نوازنده می‌باشد. این گروه به دنبال ابراز هنر خویش و پذیرش آن از سوی گفتمان رسمی است. این کنش‌ها در همه‌ی سال با تواتر روزانه و با شدتی کم تا زیاد در فضا دیده می‌شود. از منظر شاخص زمانی این الگوها در ۲ و ۳ (ظهر، عصر، شب و نیمه‌شب) و در نیمه‌ی دوم سال در پاس ۳ (ظهر و بعداز ظهر، عصر) بیشتر رخ می‌دهند. این کنش‌ها از منظر شاخص زمانی با شاخص‌های فصلی به‌ویژه دما و جریان آب رابطه‌ی مستقیمی دارد. از منظر شاخص مکانی این الگوها زیر دهانه‌ها که دارای ویژگی کالبدی خاصی از منظر انعکاس صوت می‌باشد، رخ می‌دهد. این کنش‌ها به دلیل موقعیت مکانی رخداد آن‌ها از دید پنهان بوده و از منظر شاخص جمعیتی این الگوها در دو گروه هنرمندان سنتی و اصیل و هنرمندان مدرن و جوان (پاپ خوان) قابل شناسایی هستند که به‌صورت گروهی و معمولاً از پیش تعیین شده در فضا حاضر می‌شوند. دسته‌ی دوم از مطالبات فرهنگی-اجتماعی مربوط به زنان می‌باشد که به دنبال تقابل جنسیتی در اشکال گوناگون کنش‌های مبتنی بر نمایش و ابرازگری برابری و آزادی و استفاده‌ی برابر از تسهیلات فضایی و حقوق شهروندی رخ می‌دهد. شرکت زنان در انواع فعالیت‌های ورزشی مردانه (پارکو و اسکیت برد، کایاک سواری)، آوازخوانی و سازنوازی زنان، حضور و

در فضا است که در مشاهدات میدانی به دلیل پنهانی بودن آن صرفاً با تکیه بر گفته‌های کاربران فضا به آن اشاره می‌شود. این الگوها در رواج کم مبتنی بر تاریکی به صورت پیش‌بینی نشده و ناگهانی در فضا دیده می‌شود.

دسته‌ی دیگر کنش‌های سرگرمی‌ها و بازی‌های ممنوعه نظیر ورق بازی، تخته بازی و اشکال گوناگون قماربازی است که در میان گروه نوبنی از تصرف کنندگان رایج است. این الگوها در یک بازه‌ی دو ساعته در ظهر به صورت روزانه در یک گروه مشخص و با قرار قبلی روزانه و هفتگی دیده می‌شوند. این سرگرمی‌های ممنوعه توسط دیگر گروه‌های تصرف کننده به صورت مجزا و در ساعات مختلف به ویژه مبتنی بر زمان استفاده‌ی جوانان نیز دیده می‌شود. از دیگر مطالبات محیطی، مطالبات اقتصادی در دو شکل مثبت خرده فرهنگ دست‌فروشی: فروش کالاهای مصرفی مجاز (خوراکی‌های نوبرانه به صورت فصلی با بساط چینی در محور شرقی و ورودی‌های شمالی و جنوبی، فروش هنرهای مردمی (نقاشی و خطاطی و عکاسی سریع) به صورت پیش‌بینی نشده و کالاهای ممنوعه (قلیان، ورق) به صورت روزانه و پنهانی (و سیار)؛ و منفی پادفرهنگ فقر: تکدی‌گری و کودکان خیابانی (گروه‌های کودکان) و زنان کار می‌باشد. سه شاخص جمعیتی (شلوغی)، نور (تاریکی)، اشتغال (فراغت از کار) و اقلیم (دما) می‌باشند. الگوهای رفتاری دستفروشان کالاهای مجاز تابع پارامتر فصل (به ویژه محصولات و بازدید کنندگان فصلی) می‌باشد. با رواج بازدیدهای فصلی و حضور بازدید کنندگان در فضا، حضور هنرمندان خیابانی افزایش می‌یابد.

مطالبات سیاسی به صورت روزانه و در اشکال اعتراضات پیش‌بینی نشده از دیگر مطالبات ابراز شده در «زندگی روزمره» پل خواجو می‌باشد. کنش‌های دوره‌می‌های روزانه و صحبت از مسائل روز سیاسی-اجتماعی-اقتصادی یکی از الگوهای روزانه (صبح و بعدازظهر) است که توسط گروه خاصی از تصرف کنندگان فضا؛ بازنشستگان و سالمندان؛ در فضا دیده می‌شود. این گروه به عنوان قدیمی ترین گروه اجتماعی حاضر در پل با افزایش تراکم جمعیتی از فضا خارج می‌شوند. رخداد اعتراضات سیاسی به صورت کنش‌های پنهانی به تأثیر از جریانات رسانه‌ای و اعتراضات خیابانی به تأثیر از جریانات ملی از دیگر کنش‌هایی است که به صورت پیش‌بینی نشده و ناگهانی در فضا دیده می‌شود.

مطالبات زیست محیطی در شکل اعتراض اجتماعی به صورت فصلی و با هدف مطالبه‌ی حق آبه با شدتی کم تا زیاد در این فضا دیده می‌شود. مهم ترین ویژگی انتخاب این پل، نمادین بودن و نزدیکی آن به نهادهای دولتی مربوطه (سازمان آب منطقه‌ای، صدا و سیما) در قسمت جنوبی پل می‌باشد.

مورد توجه محلات حاشیه‌نشین (زینبیه، خوراسگان، نصرآباد) و بعضاً مهاجر نشین شهر اصفهان قرار دارد. حضور جوانان محلات حاشیه‌ای در ساعات پایانی روز تابع الگوی اشتغال و تحصیل و مبتنی بر شاخص جغرافیای نور روز می‌باشد. این جوانان معمولاً به دلیل ضعف ساختار محلات و فقدان جاذبه‌های مناسب و فضای بسته‌ی اجتماعی با الگوی تهاجمی دیده می‌شوند. دسته‌ی دیگر جوانان، سربازان هستند که با پوشش خاص از پادگان‌های جنوبی شهر اصفهان نظیر هوانیروز حاضر می‌شوند. حضور این افراد با شدت کم تا زیاد ولی دائمی به صورت روزانه می‌باشد و تابع مرخصی روزانه و تعطیلات هفتگی است. جوانان نسل جدید (روشنفکری) به واسطه‌ی کافه در ضلع جنوبی و یا برگزاری کلاس‌های آموزشی (به ویژه عکاسی و معماری) به واسطه‌ی نقش کالبدی-زیباشناختی (نمادین پل) به صورت روزانه و در ساعات مختلف در فضا حاضر می‌باشند. دو پارامتر مهم برای حضور این جوانان زمان کار کافه و شرایط محیطی مناسب (نور، دما و ورزش باد) می‌باشد.

دسته‌ی دیگر کنش مهاجرین می‌باشد. مهاجرین به صورت فردی یا گروهی (خانوادگی) به دلایل مختلف اقتصادی (نبود شغل و بیکاری در روستاها) و اقلیمی (گرم، بروز سیل و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی مناطق شرقی به دلیل خشکسالی) به صورت فصلی و با توجه به شرایط اقلیمی در شدت کم تا زیاد در فضای پل حاضر هستند. یک دسته از مهاجرین، کارگران هستند که معمولاً پس از فراغت از کار در انتهای شب (به ویژه فصل گرم) از فضا به عنوان فضای خواب استفاده می‌کنند. دسته‌ای دیگر از مهاجران گروه‌های قومی هستند که معمولاً به صورت خانوادگی به دلیل گرما از جنوب به شهر کوچ می‌کنند (بلوچ‌ها). کنش‌های این مهاجرین بر الگوهای معرکه‌گیری، تردستی، فالگیری و کف‌بینی است. الگو رایج میان این قشر، پارک‌خوابی و ماشین خوابی در فضاهای پیرامون پل است. از منظر شاخص زمانی بین دو نیمه‌ی سال تفاوت وجود دارد. در نیمه‌ی اول سال این کنش‌ها بیشتر در دو پاس ۳ و ۴ (ظهر، بعداز ظهر، عصر، شب و نیمه‌شب، بامداد) با شدت زیاد و در نیمه‌ی دوم سال با توجه به سرما با شدت بسیار کم دیده می‌شود (به ندرت). این الگوها تحت تأثیر دو پارامتر جمعیتی (خلوتی) و نور (تاریکی) و اشتغال (فراغت از کار کارگری) می‌باشند. اکثر این افراد از فضا به عنوان مکانی برای خواب استفاده می‌کنند. سکوه‌های میانی و کنج‌های ساختمان شمالی و جنوبی که امکان خوابیدن را فراهم می‌کند، مورد استفاده‌ی این گروه می‌باشد. مهم ترین نقش تأثیر گذار در استفاده از این فضا برای خواب، ویژگی خاص کالبدی این فضا در ایجاد سکوه‌های تفکیک شده و مجزا می‌باشد.

کنش‌های ناشی از انقلاب جنسیتی از دیگر الگوهای گروه‌های نوین

نتیجه

مدل نظری و نتایج حاصل از تحلیل ضرب‌آهنگ رخداد این بعد پنهان برای پل خواجو به تفصیل بیان گردید. در ادامه به سؤالات پژوهش مبتنی بر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته از استفاده کنندگان فضا و برداشت میدانی ضرب‌آهنگ رخداد کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی پاسخ داده می‌شود.

در پاسخ به سؤال مقوله‌های مؤثر بر رخداد کنش در برابر گفتمان رسمی و ضرب‌آهنگ رخداد آن در پل خواجو که در بخش یافته به تفصیل

همان گونه که بررسی شد، هدف از این پژوهش تحلیل جنبه‌ی خاصی از فضای عمومی؛ یعنی ضرب‌آهنگ رخداد کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی به مثابه‌ی گونه‌ای تجربه زیسته و برخاسته از «زندگی روزمره» و دستیابی به مدلی برخاسته از زمینه برای مطالعه و کاوش فضای عمومی می‌باشد تا به روشی نوین در خوانش لایه‌های عمیق تر فضای عمومی شهری دست یافت. لایه‌ای که معمولاً به دلیل غیر مشروع بودن، پنهان و مستتر در فعالیت‌های جاری روزمره می‌باشد. در بخش پیشین

مدل ارتباطی مفاهیم آن بیان شد، یافته‌های زیر قابل ارائه است:

- مقوله‌های مؤثر بر رخداد کنش (به‌عنوان مقوله‌ی مرکزی) در «زندگی روزمره‌ی» پل خواجه عبارت است از: مقوله‌ی ایدئولوژیک-حکومتی (نظم جهان‌بینی)، ساختار مدیریت پایش فضا (نظم پایشی)، نظم ناشی از تعاملات برنامه‌ریزی شده (نظم رویدادمحور)، نظم کالبدی-فضایی (نظم محیطی مبتنی بر ویژگی‌های مکانی-فضایی)، نظم هنجارین (نظم مبتنی بر ویژگی‌های بافتار فرهنگی)، نظم جغرافیای زیستی (نظم طبیعی) و نظم تبادلات فرهنگی و هم‌پیوندی مقوله‌ها.

- این مقوله‌ها در محورهای مقوله‌ی مرکزی (کنش در برابر گفتمان رسمی)، به زمینه (نظم جهان‌بینی، نظم محیطی، نظم طبیعی)، علل (نظم هنجارین، نظم پایشی)، شرایط مداخله‌گر (نظم ناشی از تعاملات رویدادمحور، هم‌پیوندی مقوله‌ها و نظم ناشی از تبادلات فرهنگی)، قابل دسته‌بندی هستند.

- کنش‌ها به‌عنوان مقوله‌ی مرکزی و راهبرد مصرف فضای عمومی انتخابی (پل خواجه) در دو شکل کنش هم‌نوا (با هدف تثبیت فضایی و مصرف برنامه‌ریزی شده) و کنش مغایر با گفتمان رسمی^۴ (با هدف آزادسازی فضا از سلطه و کسب رسمیت و مشروعیت از گفتمان رسمی) قابل شناسایی است.

- سه تکنیک عام مورد استفاده برای بروز عینی کنش در فضای عمومی شامل: گزینش زمان-رفتار، گزینش مکان-رفتار و گزینش عامل-رفتار (به معنای عضویت در گروه) می‌باشد.

- پیامد رخداد کنش‌ها در برابر گفتمان رسمی شامل: قابل پیش‌بینی شدن فضا، آگاهی بخشی از نیازها و مطالبات برای گفتمان رسمی و کاهش رسمیت گفتمان رسمی و تصاحب و تملک فضا از گفتمان رسمی دانست.

- با تأکید بر کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی^۴ محور کلی شامل: قانون‌ستیزی-هنجارستیزی، تملک و تصاحب فضا، روان‌پالایی و ابرازگری مطالبات شناسایی گردیده است.

برای پاسخ به سؤال مؤلفه‌های مؤثر بر ضرب‌آهنگ رخداد کنش‌ها؛ با تأکید بر بروز کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی؛ براساس برداشت‌ها جنبه‌ی عینی کنش‌ها یا الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان فضا در پل خواجه نتایج ذیل حاصل می‌شود:

- ضرب‌آهنگ این کنش‌ها (شدت، فرکانس و طول مدت (دوام)) در سطح اول تابع ویژگی‌های مکانی فضا است. ویژگی‌هایی که اول؛

پی‌نوشت‌ها

شگاهی یکی از نیروهای انتظامی شاهد پرت شدن یک نفر به داخل آب هستیم که متأسفانه علت آن بیان نگردید.

۴. گفتمان رسمی در دیدگاه پژوهشگران این مقاله همان عناصر سازنده‌ی علی رخداد کنش می‌باشد. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به رساله‌ی دکتری «واکاوای فضای عمومی شهری از منظر خوانش ضرب‌آهنگ کنش‌های مغایر با گفتمان رسمی (موردپژوهی پل خواجهی اصفهان)».

فهرست منابع

اسکات، جیمز سی (۱۳۹۶)، *سلطه و هنر مقاومت: روایت‌های پنهانی*، ترجمه: افشین خاکباز، تهران: نشر مرکز.

۱. ترجمه و چاپ این کتاب به انگلیسی مربوط به سال ۲۰۰۴ می‌باشد. این کتاب پس از مرگ لوفور در سال (۱۹۹۲) به زبان اصلی به چاپ می‌رسد.

۲. دسته‌بندی جامعی پیرامون پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای در مقاله‌ی «کاوش ضرب‌آهنگ زندگی روزانه در ساماندهی مصرف فضای شهری: موردپژوهی: پیاده‌راه شهر رشت» انجام پذیرفته است. برای مطالعه‌ی بیشتر به این مقاله با مشخصات: برزگر، سپیده و حبیبی، میترا (۱۳۹۹). کاوش ضرب‌آهنگ زندگی روزانه در ساماندهی مصرف فضای شهری مورد پژوهی: پیاده راه شهر رشت. دانش شهرسازی، ۴(۱) مراجعه کنید.

۳. این کنش‌ها به ندرت انجام می‌گیرند و برداشت آنها با استناد به منابع شفاهی به‌ویژه نیروی انتظامی و جستوجو در بازه‌ی زمانی یک ساله در سایت‌های خبری پیرامون این وقایع بوده است. در این دوران طبق گزارش

برزرگ، سپیده (۱۳۹۸)، مردم‌سالاری در فضاهای شهری؛ نمونه موردی میدان شهرداری رشت، *جستارهای شهرسازی*، ۵۱، صص ۱۱۲-۱۲۶.

برزرگ، سپیده؛ حبیبی، میترا (۱۳۹۹)، کاوش ضرباهنگ زندگی روزانه در ساماندهی مصرف فضای شهری (موردپژوهی: پیاده راه شهر رشت)، *دانش شهرسازی*، ۱(۴)، صص ۴۹-۷۱.

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۳)، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تهران: معمار.

تانکیس، فرن (۱۳۸۸)، *فضا، شهر و نظریه اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل شهری*، ترجمه: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

تبدالز، فرن (۱۳۸۵)، *شهرهای انسان‌محور: بهبود محیط عمومی در شهرهای بزرگ و کوچک*، ترجمه: حسن علی لقایی و فیروزه جدلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جین، مارک (۱۳۹۵)، *شهرها و مصرف*، ترجمه: مرتضی قلیچ، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

حبیبی، میترا، و برزرگ، سپیده (۱۳۹۷)، *پویش چندلایه‌ای زندگی روزمره در فضای شهری از منظر ضرباهنگ کاوی*، *جستارهای شهرسازی*، ۲(۴۹)، صص ۱۴۶-۱۶۲.

حبیبی، میترا، و برزرگ، سپیده (۱۳۹۷)، *معیارهای ضرباهنگ کاوی زندگی روزانه در تولید اجتماعی فضای شهری با تکیه بر تجارب پژوهشی*، *صفت*، ۲۸(۸۱)، صص ۴۷-۶۴.

شمولی، اندرو (۱۳۹۳)، *کلیت، هژمونی، تفاوت: هنری لوفور و ریمنوند ویلیامز، ویراستاران: کانیشکا گونواردنا، ا. کیفر، ر. میلگرام، کریستین اشمید*، ترجمه: افشین خاکباز و محمد فاضلی، کتاب فضا، تفاوت، زندگی روزمره: خوانش هنری لوفور صص ۳۹۵-۴۲۱، تهران: انتشارات تیسرا.

رجایی، علی (۱۳۹۰)، *پل‌های اصفهان در عصر ماشین، نشریه الکترونیکی راسخون*.

رلف، ادوارد (۱۳۸۹)، *مکان و بی‌مکانی*، ترجمه: محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری و زهیر متکی، تهران: آرمانشهر.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.

فلیک، اووه (۱۳۹۶)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

قزوینی، رؤیا (۱۳۷۹)، *با میراث فرهنگی کشورمان مهربان تر باشیم (نگاهی دوباره به چشم انداز پل خواجوی، فرهنگ اصفهان*، ۱(۱۵)، صص ۹۲-۹۵.

کاظمی، عباس، و ابادزی، یوسف (۱۳۸۲)، *زندگی روزمره و مراکز خرید در شهر تهران، نامه انسان‌شناسی*، ۳(۶)، صص ۹۷-۱۱۶.

کرمونا، متیو (۱۳۹۴)، *فضای عمومی معاصر: نقد و طبقه‌بندی*، ترجمه: آرش ثقفی اصل و اکبر عبدالله‌زاده، تهران: طحان.

کولمن، ناتانیل (۱۳۹۶)، *لوفور برای معماران*، ترجمه: سپیده برزرگ، تهران: کتاب فکر نو.

کیفر، استفان (۱۳۹۳)، *چگونه لوفور گرامشی را شهری کرد*، ویراستاران: کانیشکا گونواردنا، ا. کیفر، ر. میلگرام، کریستین اشمید، ترجمه: افشین خاکباز، و محمد فاضلی، کتاب فضا، تفاوت، زندگی روزمره: خوانش هنری لوفور (صص ۳۵۹-۳۹۳)، تهران: انتشارات تیسرا.

گلایچی، محمود؛ علاقمندان، متین (۱۳۸۹)، *پل‌های ایران و جهان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *مسائل محوری در نظریه اجتماعی: کنش، ساختار و تناقض در تحلیل اجتماعی*، ترجمه: محمد رضایی، تهران: سعادت.

لنگ، جان (۱۳۸۶)، *طراحی شهری: گونه‌شناسی، رویه‌ها و طرح‌ها همراه با بیش از پنجاه مورد خاص*، ترجمه: سید حسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ.

لوفور، هنری (۱۳۹۱)، *تولید فضا*، ترجمه: محمود عبدالله‌زاده، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۸۷)، *فضاهای عمومی و خصوصی شهر*، ترجمه: فرشاد

نوریان، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

مدنی پور، علی (۱۳۹۲)، *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی-مکانی*، ترجمه: فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

هاروی، دیوید (۱۳۹۰)، *وضعیت پسامدرنیته: تحقیق در خاستگاه تحول فرهنگی*، ترجمه: عارف قوامی مقدم، تهران: پژوهاک.

هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۰)، *گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (آثار باستانی و الواح و کتیبه‌های تاریخی در استان اصفهان)*، اصفهان: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

هیلیر، جین (۱۳۸۸)، *سایه‌های قدرت: حکایت دوراندیشی برنامه‌ریزی کاربری زمین*، ترجمه: کمال پولادی، تهران: جامعه‌ی مهندسان مشاور ایران.

Andersson, C. (2016). *Public Space and the New Urban Agenda*. The Journal of Public Space, 1(1), pp. 5-10.

Anderson, E. (1990). *Streetwise: Race, Class, and Change in an Urban Community*. University of Chicago Press.

Aubin, F. (2014). *Between Public Space(s) and Public Sphere(s): An Assessment of Francophone Contributions*. Canadian Journal of Communication, 39, pp. 16-89.

Baker, M., & Chalana, M. (2016). *Under the Bridge: Utilizing Covered Liminal Spaces for Formal Homeless Encampments in the City of Seattle*. University of Washington, Ann Arbor.

Bayat, A. (2013). *Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East*, Second Edition. Stanford University Press.

Bayat, A. (1997). *Street Politics: Poor People's Movements in Iran*. Columbia University Press.

Bodnar, J. (2015). *Reclaiming public space*. Urban Studies, 52(12), 2090-2104.

Bravo, L. & Guaralda, M. (2016). *An open access forum for the discussion and advancement of research about public space*. The Journal of Public Space, 1(1), 1-4.

Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. G. & Stone, A. M. (1992). *Public Space*. Cambridge University Press.

Chatterton, P., & Hollands, R. (2002). *Theorising Urban Playscapes: Producing, Regulating and Consuming Youthful Nightlife City Spaces*. Urban Studies, 39(1), 95-116.

De Certeau, M., Rendall, S., Giard, L., & Mayol, P. (1984). *The Practice of Everyday Life*. University of California Press.

Francis, M. (1989). *Control as a Dimension of Public Space Quality*. In I. Altman & E. Zube (Eds.), *Public Places and Spaces*. Plenum.

Goonewardena, K., Kipfer, S., Milgrom, R., & Schmid, C. (2008). *Space, Difference, Everyday Life: Reading Henri Lefebvre*. Taylor & Francis.

Hanya, P. (2015). *Festival space: gender, liminality and the carnivalesque*. International Journal of Event and Festival Management, 6(3), 235-250.

Harvey, D. & Harvey, F. D. (1989). *The Urban Experience*. Johns Hopkins University Press.

Henckel, D., Thomaier, S., Könecke, B., Zedda, R. & Stabellini, S. (2013). *Space-Time Design of the Public City*. Springer Netherlands.

Joseph, L. (2008). *Finding Space beyond Variables: An Analytical Review of Urban Space and Social Inequalities*. Spaces

برزرگ، سپیده (۱۳۹۸)، مردم‌سالاری در فضاهای شهری؛ نمونه موردی میدان شهرداری رشت، *جستارهای شهرسازی*، ۵۱، صص ۱۱۲-۱۲۶.

برزرگ، سپیده؛ حبیبی، میترا (۱۳۹۹)، کاوش ضرباهنگ زندگی روزانه در ساماندهی مصرف فضای شهری (موردپژوهی: پیاده راه شهر رشت)، *دانش شهرسازی*، ۱(۴)، صص ۴۹-۷۱.

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۳)، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تهران: معمار.

تانکیس، فرن (۱۳۸۸)، *فضا، شهر و نظریه اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل شهری*، ترجمه: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

تبدالز، فرن (۱۳۸۵)، *شهرهای انسان‌محور: بهبود محیط عمومی در شهرهای بزرگ و کوچک*، ترجمه: حسن علی لقایی و فیروزه جدلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جین، مارک (۱۳۹۵)، *شهرها و مصرف*، ترجمه: مرتضی قلیچ، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

حبیبی، میترا، و برزرگ، سپیده (۱۳۹۷)، *پویش چندلایه‌ای زندگی روزمره در فضای شهری از منظر ضرباهنگ کاوی*، *جستارهای شهرسازی*، ۲(۴۹)، صص ۱۴۶-۱۶۲.

حبیبی، میترا، و برزرگ، سپیده (۱۳۹۷)، *معیارهای ضرباهنگ کاوی زندگی روزانه در تولید اجتماعی فضای شهری با تکیه بر تجارب پژوهشی*، *صفت*، ۲۸(۸۱)، صص ۴۷-۶۴.

شمولی، اندرو (۱۳۹۳)، *کلیت، هژمونی، تفاوت: هنری لوفور و ریمنوند ویلیامز، ویراستاران: کانیشکا گونواردنا، ا. کیفر، ر. میلگرام، کریستین اشمید*، ترجمه: افشین خاکباز و محمد فاضلی، کتاب فضا، تفاوت، زندگی روزمره: خوانش هنری لوفور صص ۳۹۵-۴۲۱، تهران: انتشارات تیسرا.

رجایی، علی (۱۳۹۰)، *پل‌های اصفهان در عصر ماشین، نشریه الکترونیکی راسخون*.

رلف، ادوارد (۱۳۸۹)، *مکان و بی‌مکانی*، ترجمه: محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری و زهیر متکی، تهران: آرمانشهر.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.

فلیک، اووه (۱۳۹۶)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

قزوینی، رؤیا (۱۳۷۹)، *با میراث فرهنگی کشورمان مهربان تر باشیم (نگاهی دوباره به چشم انداز پل خواجوی، فرهنگ اصفهان*، ۱(۱۵)، صص ۹۲-۹۵.

کاظمی، عباس، و ابادزی، یوسف (۱۳۸۲)، *زندگی روزمره و مراکز خرید در شهر تهران، نامه انسان‌شناسی*، ۳(۶)، صص ۹۷-۱۱۶.

کرمونا، متیو (۱۳۹۴)، *فضای عمومی معاصر: نقد و طبقه‌بندی*، ترجمه: آرش ثقفی اصل و اکبر عبدالله‌زاده، تهران: طحان.

کولمن، ناتانیل (۱۳۹۶)، *لوفور برای معماران*، ترجمه: سپیده برزرگ، تهران: کتاب فکر نو.

کیفر، استفان (۱۳۹۳)، *چگونه لوفور گرامشی را شهری کرد*، ویراستاران: کانیشکا گونواردنا، ا. کیفر، ر. میلگرام، کریستین اشمید، ترجمه: افشین خاکباز، و محمد فاضلی، کتاب فضا، تفاوت، زندگی روزمره: خوانش هنری لوفور (صص ۳۵۹-۳۹۳)، تهران: انتشارات تیسرا.

گلایچی، محمود؛ علاقمندان، متین (۱۳۸۹)، *پل‌های ایران و جهان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *مسائل محوری در نظریه اجتماعی: کنش، ساختار و تناقض در تحلیل اجتماعی*، ترجمه: محمد رضایی، تهران: سعادت.

لنگ، جان (۱۳۸۶)، *طراحی شهری: گونه‌شناسی، رویه‌ها و طرح‌ها همراه با بیش از پنجاه مورد خاص*، ترجمه: سید حسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ.

لوفور، هنری (۱۳۹۱)، *تولید فضا*، ترجمه: محمود عبدالله‌زاده، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۸۷)، *فضاهای عمومی و خصوصی شهر*، ترجمه: فرشاد

tember 18, 2019, from <http://ambulatory-assessment.org/>

Sletto, B., & Palmer, J. (2016). *The liminality of open space and rhythms of the everyday in Jallah Town, Monrovia, Liberia*. *Urban Studies*, 54(10), pp. 2360–2375.

Sorkin, M., Sorkin, D. P. A. M., Hill, Wang, Farrar, S., & Giroux. (1992). *Variations on a Theme Park: The New American City and the End of Public Space*. Farrar, Straus and Giroux.

Swerts, T. (2017). *Creating Space For Citizenship: The Liminal Politics of Undocumented Activism*. *International Journal of Urban and Regional Research*, 41(3), 379–395.

Tang, D. T. S., & Ho, C.-K. (2008). *Conditional spaces and infinite possibilities: Hong Kong lesbians and urban spatialities*. Hong Kong Polytechnic University (Hong Kong), Ann Arbor.

Wunderlich, F. M. (2008). *Symphonies of Urban Places: Urban Rhythms as Traces of Time in Space. A Study of 'Urban Rhythms.'* Koht Ja Paik / Place and Location Studies in Environmental Aesthetics and Semiotics VI.

Yıldırım, S. (2013). *Urban parasites: re-appropriation of interstitial spaces in architecture through the act of graffiti*. Middle East Technical University.

Zerubavel, E. (1985). *Hidden Rhythms: Schedules and Calendars in Social Life*. University of California Press.

Zukin, S. (1996). *The Cultures of Cities*. Wiley. Retrieved from <https://books.google.com/books?id=ZUzZX2unHBkC>

for Difference: An Interdisciplinary Journal, 1(2).

Klüpfel, H. (2009). *Crowd Dynamics Phenomena, Methodology, and Simulation*.

Lefebvre., H. (1991). *The production of Space*. (D. Nicholson-smith, Ed.). Oxford, UK: basil Blackwell lrd.

Lefebvre, H. (2004). *Rhythmanalysis: Space, Time and Everyday Life*. Bloomsbury Academic.

Liu, W.-K. (2011). *Managing change: tensions between urban morphology and everyday life in the heterotopic urban context of Tainan*. The University of Edinburgh (United Kingdom), Ann Arbor.

Maffesoli, M. (1996). *The Time of the Tribes: The Decline of Individualism in Mass Society*. SAGE Publications.

Massey, D. (2005). *For Space*. SAGE Publications.

Mehta, V. (2014). *Evaluating Public Space*. *Journal of Urban Design*, 19(1), pp. 53–88.

Miles, S. (2001). *Social Theory in the Real World*. SAGE Publications.

Misgav, C. & Fenster, T. (2016). *Day by day - protest by protest: Temporal activism and the feminist Mizrahi right to the city*. *Cities*.

Sagan, H. N. (2015). *Specters of '68: Protest, Policing, and Urban Space*.

Society for Ambulatory Assessment. (2019). Retrieved Sep-



Analyzing the Rhythm of Contradictory Practice to the Formal Discourse & Reading Urban Public Space Contextual Model for Analyzing Khajoo Bridge of Isfahan*

*Mozhdeh Jamshidi**¹, Mitra Habibi²*

¹ Ph.D Candidate in Urbanism, Department of Architecture and Urban Planning, Farabi International Campus, Tehran University of Art, Tehran, Iran.

² Associate Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Tehran University of Art, Tehran, Iran.

(Received: 17 Jan 2020, Accepted: 13 Jun 2020)

A critical look toward spatial issues necessitates criticism and transformation in theoretical and practical approaches toward space in the contemporary era. Spatial critical reading is considered a method to describe, interpret and criticize everyday life and identify spatial issues from the same perspective. Spatial reading first appears in theoretical traditions and components affecting it. Social theories about everyday life have gradually penetrated spatial studies and the recognition methods, in line with spatial turn. Space, in this opinion, shows everyday characters and their dimensions that it shows the current social situation. So, this space is considered to display the characteristics of everyday life and its constructive dimensions and the representative of the economic, political, cultural, and technical conditions. It means that space is based on daily activities in routine life and people's performance in their daily living (lived space) and the representative constructive factors (economic, political, cultural conditions, knowledge, and technology, which is known as perceived space). In this approach, space is known as good that is consumed in a new form. According to these necessities, the urban space design process must emphasize everyday life's dimensions and components. Rhythm analysis, as one of the analytical tools, is emphasis reading everyday life in urban space. This tool includes two urban rhythms: everyday and physical rhythms. They show linear and cyclic rhythms orders. This study aims to delve deeper and explain the complexities of multi-layered urban public space; Influenced by each society's social formations and the starting point of the epistemology of space in correlation with social reality, has been done. The research paradigm is critical, and within the framework of Lefebvre's theory of social production, explores everyday life in space through rhythm analysis and the connec-

tion of time and place. The research questions included identifying the components affecting the rhythm of the practice and developing a contextual model to read the space of Khajoo Bridge. The research's innovation is the description and explanation of the semi-hidden and hidden part of the urban public space (Isfahan Khajoo Bridge) using rhythm analysis of practice contrary to society's formal discourse. Using contextual theory, a systematic study of the information obtained from the field perception, including in-depth purposeful interviews and observations of the objective aspect of the occurrence of actions (behavioral patterns), has been performed. The results are formulated in a theoretical-contextual model with 12 main categories that show the relationship of practice with contextual conditions, causes of occurrence, interfering factors (aggravating), and consequences: Context of practice include ideological-governmental, natural, and environmental order; Its causes are a function of normative order and supervisory management; intervening factors including planned interactions, cultural exchanges, and interconnectedness of categories; Consequences include predictability of space, awareness of demands, reduction of legitimacy, and appropriation of space from formal discourse. The occurrence of practice has a temporal and spatial selection and is associated with membership in social groups. Their goal is spatial stabilization, gaining autonomy and legitimacy in space, and they have patterns of lawlessness-abnormality, space ownership, psychotherapy, and demands.

Keywords

Everyday Life, Contradictory practice, Formal Discourse, Grounded Theory, Rhythm, Khajoo Bridge of Isfahan.

* This article is extracted from the first author's doctoral dissertation, entitled: "Reading urban public space according to persual rhythm analysis of practice contrary to the formal discourse (Case study: Khajoo Bridg in Esfahan)" under the supervision of the second author at Tehran University of Art (Farabi International Campus).

** Corresponding Author: Tel:(+98-913) 2263914, Fax: (+98-31) 36412310, Email: Mojdeh.jamshidi84@gmail.com